

بررسی اثر ثبات سیاسی و دموکراسی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی: رویکرد پانل پویا (SYS-GMM)

علیرضا کازرونی^۱، حسین اصغریپور^۲، *مریم نفیسی مقدم^۳

۱. استاد دانشگاه تبریز، دانشکده اقتصاد و مدیریت، تبریز، ایران

۲. استاد دانشگاه تبریز، دانشکده اقتصاد و مدیریت، تبریز، ایران

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه تبریز، دانشکده اقتصاد و مدیریت، تبریز، ایران

(دریافت: ۱۳۹۷/۶/۳۱ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲۹)

The Effect of Political Stability and Democracy on Economic Growth in Selected Countries of the Organization of Islamic Cooperation: Dynamic Panel Approach (SYS-GMM)

Alireza Kazerooni¹, Hosein Asgharpour², *Maryam Nafisi Moghadam³

1. Professor of Economics, University of Tabriz, Tabriz, Iran

2. Professor of Economics, University of Tabriz, Tabriz, Iran

3. Ph.D. Student of Economics, University of Tabriz, Tabriz, Iran

(Received: 22/Sep/2018)

Accepted: 20/Nov/2018)

Abstract:

The purpose of this study is to investigate the effect of political stability and democracy on economic growth in member countries of the Organisation of Islamic Cooperation (OIC). This study estimated panel regression using a Generalized Method of Moments (GMM) framework, on a sample of 34 OIC member countries for the period of 1986-2014. In this research, a composite indicator of Internal Conflict, External Conflict, Military in Politics, Ethnic and Religious Tensions has been used to calculate the political stability index using the principal components analysis method (PCA). The results of the research show that political stability and democracy have a significant positive role in the economic growth.

Keywords: Economic Growth, Political Stability, Democracy, the Organisation of Islamic Cooperation (OIC), Dynamic Panel.

JEL: O43, C23, P48.

چکیده:

هدف مطالعه حاضر بررسی اثر شاخص ثبات سیاسی و دموکراسی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی (OIC) می‌باشد. برای این منظور از روش پانل پویا در چارچوب روش گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی برای ۳۴ کشور عضو OIC در بازه زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۶ استفاده شده است. برای اندازه‌گیری شاخص ثبات سیاسی با توجه به شرایط کشورهای مورد مطالعه از پنج مؤلفه درگیری داخلی، درگیری خارجی، دخالت نظامیان در سیاست، تنش‌های مذهبی و تنش‌های نژادی استفاده خواهد شد. نتایج حاصل از تخمین الگوهای رشد برای این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که کاهش جنگ داخلی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی دارد و سایر مؤلفه‌های ثبات سیاسی اثر معناداری بر رشد اقتصادی ندارند. در ادامه الگوی رشد دیگری با استفاده از شاخص ترکیبی ثبات سیاسی و نیز شاخص‌های دموکراسی طراحی شده است. این شاخص متشکل از پنج مؤلفه فوق است که با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اساسی PCA بدست آمده است. نتایج حاکی از آن است که ثبات سیاسی و دموکراسی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی در کشورهای OIC دارد. لذا برقراری ثبات سیاسی و دموکراسی در این کشورها همانند سایر کشورهای در حال توسعه می‌تواند موجبات تسریع رشد اقتصادی را فراهم نماید.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، ثبات سیاسی، دموکراسی، سازمان

همکاری اسلامی، پانل پویا.

طبقه‌بندی JEL: O43, C23, P48.

۱- مقدمه

تغییر دولت از طریق قانون یا غیرقانونی اطلاق می‌شود که می‌تواند منجر به کاهش رشد اقتصادی گردد. یک استدلال قوی برای این منظور اثرگذاری نااطمینانی بر تصمیمات اقتصادی مانند سرمایه‌گذاری، تولید و عرضه نیروی کار است. به عبارت دیگر، تمایل به تغییر دولت با ایجاد شرایط نااطمینان منجر به تردید عوامل اقتصادی خواهد شد که کاهش نوآوری، کاهش ابتکارات و خروج سرمایه از بخش تولیدی را در پی خواهد داشت.

براساس پارادایم اقتصاد اسلامی نیز، حفظ ثبات سیاسی و آرامش برای رونق و رفاه بیشتر انسان بارها در قرآن و سنت‌های مذهبی تأکید شده است. با توسعه اخیر اقتصاد اسلامی محققان معاصر مدل‌های رشد اسلامی را پیشنهاد دادند که در آن ثبات سیاسی به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در مدل‌های رشد بیان شده است (اودین و همکاران^۷، ۲۰۱۷: ۶۱۰). با این وجود بسیاری از کشورهای مسلمان که بعد از جنگ جهانی دوم استقلال یافته‌اند؛ با بحران‌های سیاسی مختلف مانند: جنگ‌های منطقه‌ای، تهاجم خارجی، کودتاهای مکرر، شورش، خشونت‌های مذهبی و انقلاب مواجه شدند که تازه‌ترین آن بهار عربی^۸ است.

سازمان همکاری اسلامی^۹ با هدف حمایت و حفاظت از منافع جهان اسلام و ترویج صلح بین‌المللی در سال ۱۹۶۹ تأسیس گردید. گستره عضویت این سازمان شامل کشورهایی می‌باشد که عموماً از لحاظ تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و مهمتر از آن مذهبی، ووجه مشترک زیادی دارند (میرجلیلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰). بررسی شرایط اقتصادی و سیاسی کشورهای اسلامی نشان می‌دهد علی‌رغم تأکید قرآن بر فراهم آوردن شرایط برای رفاه اقتصادی و آرامش سیاسی در کشور که لازمه

رشد اقتصادی از مهم‌ترین مفاهیم اقتصاد کلان و از جمله موضوعات محوری در توسعه اقتصادی بشمار می‌رود که پژوهش‌های زیادی را در چند دهه گذشته به خود اختصاص داده است. براساس دیدگاه اقتصاددانان، رشد و توسعه اقتصادی به تنهایی با عوامل اقتصادی قابل توجیه نمی‌باشد. بنابراین انباشت سرمایه، سرمایه‌فیزیکی، سرمایه انسانی و برخورداری از منابع طبیعی به تنهایی توضیح‌دهنده رشد اقتصادی نیستند. در مقابل روش‌های پیچیده‌ای که روابط انسانی را ساختارمند می‌کنند و نهادهایی که به تعاملات اقتصادی، سیاسی، دینی و سایر تعاملات شکل می‌بخشند کلید اصلی درک این پرسش است که چرا برخی جوامع قابلیت توسعه اقتصادی و سیاسی مداوم را دارند (نورث^۱، ۱۹۹۰: ۱۰۷؛ عجم اوغلو و همکاران^۲، ۲۰۰۳: ۶۱؛ رودریک و همکاران^۳، ۲۰۰۴: ۱۳۲).

مروری بر ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که در نیمه اول دهه ۹۰ میلادی موجی از تئوری‌های اقتصاد سیاسی رشد، ظهور یافت. این تئوری‌ها عموماً بر اثرگذاری نوع رژیم سیاسی و ثبات (بی‌ثباتی) سیاسی بر رشد اقتصادی تأکید می‌کنند. براساس نظریات موجود تغییرات منظم و نامنظم سیاسی دولت بر رشد اقتصادی اثرات متفاوتی دارد (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۳). تغییرات نامنظم سیاسی مانند کودتا که عموماً در نظام‌های دیکتاتوری اتفاق می‌افتد نااطمینانی محیط سیاسی کشور را افزایش داده و از این طریق اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. در مقابل انتقال منظم و در چارچوب قانون اساسی که از ویژگی‌های نظام‌های دموکراتیک است می‌تواند منجر به بهبود فضای اقتصادی کشور شود^۴.

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد بی‌ثباتی سیاسی علت رشد اقتصادی پایین کشورها است و در برخی مطالعات دیگر به عنوان نتیجه رشد اقتصادی ضعیف از آن یاد می‌کنند (آلسینا و همکاران^۵، ۱۹۹۶: ۱۸۹؛ بارو^۶، ۱۹۹۱: ۴۰۷). براساس تعریف آلسینا و همکاران (۱۹۹۶: ۱۹۱)، بی‌ثباتی سیاسی به تمایل

7. Uddin et al. (2017)

8. Arab Springs

۹. مهمترین جنگ‌هایی که کشورهای مسلمان درگیر آن شده‌اند عبارتند از: جنگ اول کشمیر بین هند و پاکستان ۱۹۴۸-۱۹۴۷؛ اولین جنگ اعراب و اسرائیل ۱۹۴۹-۱۹۴۸؛ جنگ مالایی ۱۹۶۰-۱۹۴۸؛ جنگ استقلال الجزایر ۱۹۶۲-۱۹۵۴؛ جنگ سوئز ۱۹۵۶؛ جنگ داخلی یمن ۱۹۷۰-۱۹۶۲؛ جنگ دوم کشمیر ۱۹۶۵؛ جنگ شش روزه ۱۹۶۷؛ جنگ استقلال بنگال ۱۹۷۱؛ جنگ داخلی لبنان ۱۹۷۵؛ جنگ داخلی افغانستان ۱۹۷۸ تاکنون؛ جنگ ایران و عراق ۱۹۸۸-۱۹۸۰، تهاجم اسرائیل و اشغال جنوب لبنان ۲۰۰۰-۱۹۸۲؛ جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱؛ تهاجم آمریکا به افغانستان و عراق در ابتدای قرن حاضر، بهار عربی، درگیری در یمن و سوریه در سال‌های اخیر

10. The Organisation of Islamic Cooperation (OIC)

1. North (1990)

2. Acemoglu et al. (2003)

3. Rodric et al. (2004)

۴. به عنوان مثال در انتقال منظم نظام‌های دموکراتیک تغییرات منظم دولت بدلیل عملکرد اقتصادی ضعیف آن باعث تغییر دیدگاه رأی‌دهندگان شده و آنها به امید بهبود شرایط اقتصادی دولت جدیدی را انتخاب می‌نمایند.

5. Alesina et al. (1996)

6. Barro (1991)

جوامع مدرن را تبیین کنند. واقعیت موجود در جوامع توسعه یافته نشان می‌دهد که این جوامع همواره اقتصاد توسعه یافته و سیاست توسعه یافته داشته‌اند. بنابراین ارتباط بین علم اقتصاد و علم سیاست بخش بنیادی از فرایند توسعه است. در این بخش به بیان نظریات پیرامون ثبات سیاسی و رشد اقتصادی و همچنین دموکراسی و رشد اقتصادی به عنوان دونهاده سیاسی مهم پرداخته می‌شود.

۲-۱- بررسی رابطه بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی

یکی از مهم‌ترین اثرات بی‌ثباتی سیاسی، تأثیر آن بر رشد اقتصادی است. ساده‌ترین و مؤثرترین نظریه‌ای که رشد اقتصادی را به طور مستقیم با بی‌ثباتی پیوند می‌دهد، توسط هانتینگتون^۴ (۱۹۶۸) ارائه شده است. براساس دیدگاه هانتینگتون، گرچه سطح نسبتاً بالاتری از توسعه با ثبات همراه است، اما فرایند توسعه موجب ایجاد تنش‌ها و فشارهای منظمی می‌گردد که به نوبه خود منجر به بی‌ثباتی سیاسی می‌شوند (ساندرز^۵، ۱۳۹۶: ۲۳۴). بر مبنای ادبیات اقتصادی بین بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی سه دیدگاه عمده وجود دارد. گروه اول بر این عقیده هستند که دستیابی به رشد اقتصادی در نظر گرفته شده عامل اصلی ثبات سیاسی است. به عبارت دیگر، دستاورد اصلی سطوح بالای رشد اقتصادی، بهبود سطح زندگی افراد جامعه است (ون دی وال^۶، ۱۹۹۸: ۳۷۱) که به بهبود مسائل سیاسی کمک می‌کند. از سوی دیگر بسیاری از محققان به بررسی نقش بحران‌های اقتصادی در شکل‌گیری بی‌ثباتی سیاسی و تغییر رژیم سیاسی پرداختند. براساس دیدگاه آنها بسیاری از عوامل ساختاری مانند شرایط اجتماعی-اقتصادی از جمله درآمد سرانه و میزان سواد افراد جامعه می‌تواند بر تغییر رژیم سیاسی در کشورهای مختلف اثرگذار باشند. با توجه به نظریه نوسازی^۷ سطح پایین این عوامل منجر به ایجاد حکومت‌های دیکتاتوری می‌شود و سطوح بالا برای حکومت‌های دموکراتیک مهم است (گسیورسکی^۸، ۱۹۹۵: ۸۸۲). بنابراین کشورهای در حال گذار به تدریج و بی‌وقفه از حکومت‌های دیکتاتوری به حکومت‌های

رسیدن به رشد اقتصادی مناسب می‌باشد، درجات مختلفی از بی‌ثباتی سیاسی در اغلب کشورهای اسلامی وجود دارد. وجود ساختار سیاسی ناکارآمد و انحراف از ساختار نهادی در این کشورها منجر به از بین رفتن فرصت‌های موجود سرمایه‌گذاری شده و کاهش رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت (آصفری و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۵). لذا در این مقاله در کنار بررسی سایر متغیرهای اثرگذار بر رشد اقتصادی به بررسی اثر شاخص‌های ثبات سیاسی و دموکراسی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی در بازه زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۶ با استفاده از رویکرد پانل پویا در چارچوب روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پرداخته می‌شود. برای این منظور در ابتدا با توجه به شرایط کشورهای مورد مطالعه پنج مؤلفه^۱ درگیری داخلی، درگیری خارجی، دخالت نظامیان در سیاست، تنش‌های مذهبی و تنش‌های نژادی برای اندازه‌گیری ثبات سیاسی انتخاب شده‌اند و جهت اثرگذاری آنها بر رشد اقتصادی مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس با استفاده از روش PCA^۲ شاخص ترکیبی ثبات سیاسی محاسبه خواهد شد و اثر آن بر رشد اقتصادی بررسی می‌شود. نوآوری این مقاله نسبت به مطالعات گذشته ملحوظ نمودن اثر شاخص ترکیبی جدید بر رشد اقتصادی در کشورهای OIC می‌باشد. با توجه به مطالب گفته شده شاخص ثبات سیاسی در این مقاله به گونه‌ای انتخاب شده است که فضای سیاسی کشورهای مورد بررسی را به خوبی نمایش دهد.

سازماندهی این مقاله به این صورت است که بعد از مقدمه حاضر، در بخش دوم به بررسی ادبیات موضوع تحقیق پرداخته می‌شود. بخش‌های سوم به روش‌شناسی تحقیق و تصریح مدل تحقیق می‌پردازند. در بخش چهارم مدل تحقیق برآورد می‌شود و در نهایت بخش پنجم به بیان نتیجه‌گیری اختصاص خواهد یافت.

۲- ادبیات موضوع

براساس دیدگاه نورث و همکاران^۳ (۲۰۰۶: ۲)، نه علم اقتصاد و نه علم سیاست هیچ کدام به تنهایی نمی‌توانند فرایند توسعه

4. Huntington (1968)

5. Sanderz

6. Van de Walle (1998)

7. Modernization Theory

8. Gasiorowski (1995)

۱. این مؤلفه‌ها از پایگاه داده‌ای International Country Risk Guide (ICRG) بدست آمده است.

2. Principle Component Analysis

3. North et al. (2006)

متوقف کند.

مطالعات گذشته عموماً نشان می‌دهند که بی‌ثباتی سیاسی اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد و باعث عدم قطعیت سیاسی می‌شود. این کاهش رشد اقتصادی منجر به کاهش سطح فعالیت‌های اقتصادی شده و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را با ریسک مواجه می‌کند، لذا جریان سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. کاهش جریان سرمایه‌گذاری می‌تواند سطح پس‌انداز و بهره‌وری را کاهش داده و از طریق کاهش ظرفیت درآمد و قدرت خرید منجر به کاهش سطح مصرف گردد. از سوی دیگر، بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند منجر به افزایش نرخ تورم و بیکاری شود. این افزایش تورم و ناطمینانی نیز به نوبه خود می‌تواند منجر به افزایش اعتصابات عمومی و خشونت در برابر کارفرمایان و سیاست‌های دولت گردد. افزایش اعتصابات و خشونت نیز مجدداً باعث افزایش بی‌ثباتی سیاسی و کاهش رشد اقتصادی شده و این چرخه معیوب ادامه می‌یابد.

آلسینا و تبلینی (۱۹۸۹: ۲۰۰)، تبلینی و آلسینا (۱۹۹۰: ۳۷)، کوکرمن و همکاران^{۱۱} (۱۹۹۲: ۵۳۷) و اوزلر و تبلینی^{۱۲} (۱۹۹۱: ۱) نشان دادند که بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند منجر به ناکارایی اقتصاد شود. همچنین بی‌ثباتی سیاسی احتمال شرکت افراد فرصت‌طلب در فعالیت‌های واسطه‌گری و غیرمولد را افزایش می‌دهد و منجر به کاهش ارزش پول ملی شده و افزایش قیمت‌ها و تزلزل ذخایر بانک مرکزی را بدنبال دارد. از سوی دیگر، بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند تغییرات قابل توجهی را بر هزینه‌های عمومی دولت در غالب هزینه‌های امنیتی، نظامی و انتظامی ایجاد کند. به عبارت دیگر، بی‌ثباتی سیاسی می‌تواند بر رفتار مالی دولت اثرگذار بوده و اولویت‌های سیاسی را جایگزین اولویت‌های اقتصادی نماید و از این طریق کسری بودجه را افزایش و رشد اقتصادی را کاهش دهد (کمیحانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۳). دیدگاه سوم به یک ارتباط متقابل بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی اشاره می‌کنند (زابلوسکی^{۱۳}، ۱۹۹۶: ۱). یلماز و لونت^{۱۴} (۲۰۱۵: ۶۳) نشان دادند که یک رابطه علیت دو طرفه بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی وجود دارد. در مطالعات انجام گرفته بین بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی نیز نتایج متفاوتی بدست آمده که در جدول (۱) ارائه شده است.

دموکراتیک تغییر می‌کنند (دوچ^۱، ۱۹۶۱: ۵۰۱؛ لیپست^۲، ۱۹۵۹: ۷۵؛ بورک هارت و لویس - بگ^۳، ۱۹۹۴: ۹۰۳). در این راستا، هگارد و کافمن^۴ (۱۹۹۷: ۲۸۳-۲۶۳) بیان می‌کنند که اغلب گذار به دموکراسی در آمریکای لاتین در جریان بحران‌های اقتصادی اتفاق افتاده است. گسیپورسکی (۱۹۹۵: ۸۹۲) نشان می‌دهد که رکود اقتصادی احتمال کودتا را افزایش می‌دهد. همچنین آلسینا و پروتی^۵ (۱۹۹۶: ۱۲۰۴)، نابرابری شدید اقتصادی را یکی از عوامل تعیین‌کننده بی‌ثباتی معرفی می‌کنند. میلچ کویک و ریمال^۶ (۲۰۰۸: ۲۴۵۴) نشان می‌دهند که عوامل اقتصادی مانند نرخ رشد درآمد بر بی‌ثباتی سیاسی اثرگذار است.

گروه دوم بر این عقیده هستند که ثبات سیاسی یکی از عوامل اصلی توسعه و رشد اقتصادی به حساب می‌آید (بلانکو و گریر^۷، ۲۰۰۹: ۷۸-۷۷). به عبارت دیگر بی‌ثباتی سیاسی و بدتر شدن اوضاع امنیتی منجر به توقف فعالیت‌های اقتصادی شده و می‌تواند بر سرمایه‌گذاری، خصوصیات بازار کار و فعالیت‌های گردشگری اثرگذار باشد (بشیر و سو^۸، ۲۰۱۴: ۶۱؛ آلسینا و تبلینی^۹، ۱۹۸۹: ۲۰۲-۲۰۱؛ آلسینا و همکاران، ۱۹۹۶: ۱۹۱-۱۸۹). لیپست در کتاب "انسان سیاسی: مبانی اجتماعی سیاست" نظام‌هایی را که دارای حکومت دموکراتیک مستمر بودند یا در طول سال‌های معینی حکومت‌پایداری داشتند با ثبات قلمداد می‌کند و آنهایی را که بین دو حالت در نوسان بودند بی‌ثبات معرفی می‌کند. به طور کلی، کارایی سیستم دولتی به پایداری قدرت سیاسی دولت وابسته است. یک دولت ناکارآمد در نظر گرفته می‌شود اگر دارای اهداف سیاسی متفاوت در یک دوره کوتاه‌مدت باشد. براساس استدلال گوپتا و همکاران^{۱۰} (۱۹۹۸: ۵۹۱-۵۹۰) رژیم‌های سیاسی می‌توانند از طریق مشروعیت سیاسی یا از طریق اجبار به ثبات سیاسی برسند. برخورد حکومت از طریق مشروعیت سیاسی باعث برقراری دموکراسی شده و روند رشد اقتصادی را تسریع می‌نماید. از سوی دیگر مقاومت حکومت در برابر تغییرات سیاسی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی سیاسی کشور شود و روند نرخ رشد اقتصادی را آرام یا

1. Deutsch (1961)
2. Lipset (1959)
3. Burkhart & Lewis-Beck (1994)
4. Haggard & Kaufman (1997)
5. Alesina & Perotti (1996)
6. Miljkovic & Rimal (2008)
7. Blanco & Grier (2009)
8. Bashir & Xu (2014)
9. Alesina & Tabellini (1989)
10. Gupta et al. (1998)

11. Cukierman et al. (1992)
12. Ozler & Tabellini (1991)
13. Zablotsky (1996)
14. Yilmaz & Levent (2015)

جدول ۱. مطالعات گذشته در زمینه ارتباط شاخص بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی

نویندگان	کشور/ زمان / روش تخمین	شاخص بی‌ثباتی سیاسی	نتایج	اثرگذاری بی‌ثباتی سیاسی
عزیز و همکاران ^۱ (۲۰۱۸: ۳۵-۱)	۱۲۶ کشور ۲۰۰۹-۲۰۰۰ روش پانل دیتا	درگیری مسلحانه	در کشورهای با درآمد بالا و متوسط بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی اثر نداشته اما در کشورهایی با درآمد پایین بی‌ثباتی سیاسی اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد.	(- و بی‌اثر)
اودین و همکاران (۲۰۱۷: ۶۲۵-۶۱۰)	کشورهای در حال توسعه ۲۰۱۴-۱۹۹۶ پانل پویا و پانل کوانتایل	ریسک سیاسی، ثبات سیاسی	بی‌ثباتی سیاسی بالا یک عامل بازدارنده بر رشد اقتصادی در کشورهای OIC است.	(-)
سلزمن و همکاران ^۲ (۲۰۱۵: ۲۲۶-۲۱۴)	۳۹ کشور OIC ۲۰۰۹-۱۹۸۳ پانل پویا	کودتای نظامی، تنش‌های مذهبی، تنش‌های قومی، کیفیت اداری	نتایج نشان می‌دهد که ثبات سیاسی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد.	(-)
بشیر و سو (۲۰۱۴: ۶۷-۵۹)	۱۱۷ کشور ۲۰۱۲-۱۹۸۰ پانل دیتا	آزادی سیاسی، ثبات سیاسی	ثبات سیاسی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. در حالی که اثر آزادی سیاسی (حقوق سیاسی و آزادی مدنی) نامشخص است.	(-)
احمد و پالوک ^۳ (۲۰۱۳: ۱۰۰-۶۱)	بنگلادش ۲۰۰۹-۱۹۸۴ سری‌های زمانی	شاخص بی‌ثباتی سیاسی	ثبات سیاسی در بلندمدت اثرات منفی و در کوتاه‌مدت اثرات مثبتی بر عملکرد اقتصادی دارد.	(+/-)
کمیس و همکاران ^۴ (۲۰۱۲: ۳۰۴-۲۹۰)	آرژانتین ۲۰۰۰-۱۸۹۶ سری زمانی	شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی رسمی و غیررسمی ^۵	ارتباط بلندمدت منفی بین بی‌ثباتی سیاسی و رشد اقتصادی وجود دارد.	(-)
آیسن و ویقا ^۶ (۲۰۱۱: ۲۹-۱)	۱۶۹ کشور ۲۰۰۴-۱۹۶۰ پانل GMM	خشونت، تغییرات کابینه، شاخص همگنی قومی، شاخص policy	بی‌ثباتی سیاسی شدیدتر با نرخ رشد درآمد سرانه پایین‌تری همراه است.	(-)
کوریشی و همکاران ^۷ (۲۰۱۰: ۱۹۲-۱۷۹)	پاکستان ۲۰۰۸-۱۹۷۱ OLS	هفت شاخص ترکیبی با استفاده از روش PCA	بی‌ثباتی سیاسی مانعی برای توسعه اقتصادی محسوب می‌شود.	(-)
جانگ ^۸ (۲۰۰۹: ۲۹-۱۵)	۹۰ کشور ۲۰۰۳-۱۹۷۴ پانل GMM	۲۵ شاخص اقتصاد سیاسی (شاخص ترکیبی)	درجه بی‌ثباتی زیاد منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود.	(-)
بارو (۱۹۹۱: ۴۴۳-۴۰۷)	۹۸ کشور ۱۹۶۰-۱۹۸۵ پانل	تعداد ترور، انقلاب‌های خشونت‌بار و کودتای نظامی	اندازه‌ی ناآرامی سیاسی به صورت معناداری بر سطوح متوسط رشد اقتصادی اثرگذار است.	(-)
حیدری و همکاران (۲۰۱۳: ۱۸۰-۱۶۱)	کشورهای گروه D-8 دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۶ مدل PSTR ^۹	ثبات سیاسی	در رژیم نخست و در سطوح پایین ثبات سیاسی، تأثیر مثبت و معنادار دارند و در رژیم دوم، ثبات سیاسی تأثیر منفی و معناداری بر رشد تولید ناخالص داخلی دارد.	(+/-)
اصغری و همکاران (۲۰۱۳: ۱۹۲-۱۷۵)	ایران ۱۳۸۸-۱۳۳۹	شاخص بی‌ثباتی سیاسی رسمی و بی‌ثباتی سیاسی غیررسمی	بی‌ثباتی سیاسی اثر منفی بر رشد اقتصادی دارند.	(-)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

1. Aziz et al. (2018)

2. Slesman et al. (2015)

3. Ahmad & Pulok (2013)

4. Campos et al. (2012)

۵. بی‌ثباتی سیاسی رسمی: تغییر کابینه، اندازه کابینه، تغییرات قانون اساسی، بحران دولت، انتخابات مجلس و پاکسازی بی‌ثباتی سیاسی غیر رسمی: ترور، جنگ چریکی، انقلاب، اعتصاب

6. Aisen & Veiga (2011)

7. Qureshi et al. (2010)

8. Johng (2009)

9. Panel Smooth Transition Regression

۲-۲- بررسی رابطه بین دموکراسی و رشد اقتصادی

یکی از موضوعات مورد بحث در سیاست‌های تطبیقی^۱ رابطه دموکراسی و نرخ رشد اقتصادی است. این رابطه موضوع بسیاری از تحقیقات تجربی و نظری قرار گرفته و برای اغلب اقتصاددانان رابطه بین دموکراسی و رشد اقتصادی میهم است. به طور کلی همواره یک ارتباط دو سویه بین دموکراسی و رشد اقتصادی وجود دارد. رودریک (۲۰۰۰: ۳) دموکراسی را یک سطح نهادی بالا^۲ می‌داند که تضمین‌کننده سطوح بالای رشد اقتصادی است. از سوی دیگر برای برقراری دموکراسی دستیابی به سطوح مشخصی از رشد اقتصادی لازم است. براساس پژوهش‌های انجام گرفته اثر دموکراسی بر رشد اقتصادی تنها در بلندمدت و از طریق کانال‌های مختلف مشاهده شده است. در ادامه به بررسی برخی از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری دموکراسی بر رشد اقتصادی پرداخته می‌شود:

یکی از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری دموکراسی بر نرخ رشد اقتصادی کانال ثبات سیاسی است. دموکراسی بدلیل اثرگذاری بر ثبات سیاسی می‌تواند تأثیر غیرمستقیمی بر رشد اقتصادی داشته باشد. بنابراین دموکراسی با ترویج ثبات سیاسی از طریق انتقال سریع قدرت سیاسی بدون اعمال خشونت نسبت به نظام‌های خودکامه می‌تواند اثر مثبتی بر فعالیت‌های اقتصادی داشته باشد (فنگ^۳، ۱۹۹۷: ۳۹۸؛ لاجیلی و گیلز^۴، ۲۰۱۸: ۴). همچنین عدم ثبات سیاسی در یک کشور می‌تواند منجر به عدم احساس اطمینان در دولت‌مردان شده و انگیزه برای غارت منابع توسط این گروه را افزایش دهد و از این طریق اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد (آلسینا و همکاران، ۱۹۹۶: ۱۹۳).

کانال دوم اثرگذاری دموکراسی بر رشد اقتصادی از طریق ارتقای شاخص‌های حکمرانی و کاهش انحرافات صورت می‌پذیرد. در این حالت، اقتصاددانان با تأکید بر حفظ حقوق مالکیت و مبارزه با فساد به بررسی رابطه بین دموکراسی و رشد اقتصادی پرداختند (نورث و وینگست^۵، ۱۹۸۹: ۸۰۳). آنها استدلال می‌کنند که حقوق مالکیت در رژیم‌های غیردموکراسی به نفع گروه‌های حاکم بوده و این موضوع به عنوان مانعی برای

جریان آزاد ورود سرمایه به کشور محسوب می‌شود. در مقابل در حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی تخصیص منابع براساس محدودیت‌های قانون اساسی برای افراد دارای قدرت سیاسی، تکیه دارد این موضوع انگیزه لازم برای نوآوری را در این کشورها افزایش داده و منجر به افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌شود (فیندلی^۶، ۱۹۹۰: ۱۹۹-۱۹۷). بنابراین نهادهای دموکراتیک قادر به محافظت از منافع سرمایه‌گذاران خارجی هستند در حالی که دولت‌های مستبد با اعمال سیاست‌های غلط بر منافع سرمایه‌گذاران خارجی نمی‌توانند حقوق مالکیت آنها را تضمین کنند (جنسون^۷، ۲۰۰۸: ۱۰۴۲-۱۰۴۱). علاوه بر این، نهادهای دموکراتیک از طریق مکانیزم فعالانه نظارت و کنترل بر رهبران و سیاست‌مداران مانع از فساد سیستم‌های حکمرانی می‌شوند (سانگ^۸، ۲۰۰۴: ۱۸۱-۱۸۰). همچنین دروری و همکاران^۹ (۲۰۰۶: ۱۲۲) نشان دادند که فرایند انتخابات در کشورهای دموکراتیک مانع فعالیت سیاست‌مداران در فرایندهای فساد می‌شود، چرا که بقای سیاسی آنها در خطر قرار می‌گیرد.

برخی از اقتصاددانان اثر دموکراسی بر رشد اقتصادی را از طریق کانال ارتقا سرمایه انسانی مانند نرخ سوادآموزی، آموزش و ارتباطات در رژیم‌های دموکراسی و غیردموکراسی مورد بررسی قرار داده‌اند (استاسویج^{۱۰}، ۲۰۰۵: ۳۴۳). سنت پاول و وردایر^{۱۱} (۱۹۹۳: ۴۰۰-۳۹۹) نشان دادند که در نظام‌های دموکراسی نسبت به نظام‌های غیردموکراسی انباشت سرمایه انسانی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجا که ارتقا شاخص سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی اثر مثبتی دارد لذا دموکراسی به صورت غیرمستقیم و از طریق ارتقا شاخص سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی اثرگذار است.

علاوه بر این موارد دموکراسی از رقابت بین سیاست‌مداران حمایت می‌کند. در حالی که رأی‌دهندگان توده مردم هستند، نخبگان سیاسی برای بدست آوردن رأی بیشتر با افزایش هزینه‌های عمومی به افزایش رفاه کل جامعه توجه می‌نمایند (گرنینگ و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۲: ۱) لذا دموکراسی به بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه کمک می‌کند. از سوی دیگر براساس پژوهش‌های اولسن (۱۹۸۲) عملکرد سیاست‌گذاران در

6. Findlay (1990)

7. Jensen (2008)

8. Sung (2004)

9. Drury et al. (2006)

10. Stasavage (2005)

11. Saintpaul & Verdier (1993)

12. Gerring et al. (2012)

1. Comparative Politics

2. Metainstitution

3. Feng (1997)

4. Lajili & Gilles (2018)

5. North & Weingast (1989)

شاخص دموکراسی استفاده نمودند. آنها نشان دادند که فرضیه لیپست برای بوتسوانا، نیجر و چاد تأیید می‌شود. بر این اساس در بلندمدت GDP حقیقی علیت گرنجر دموکراسی می‌باشد و افزایش تولید ناخالص حقیقی منجر به ارتقا سطح دموکراسی می‌شود. کنگ و همکاران^۶ (۱۹۹۶: ۲۷۶-۲۴۳) بیان می‌کنند که افزایش رشد اقتصادی می‌تواند منجر به حفظ دولت‌های دموکراسی یا رژیم‌های دیکتاتوری گردد. یافته‌های تجربی آنها نشان می‌دهد که حکومت‌های خودکامه‌ای که مدت‌ها در قدرت هستند قراردادهای و حقوق مالکیت مناسب‌تری نسبت به حکومت‌های خودکامه که مدت کمتری در حکومت هستند فراهم می‌نمایند.

۳- روش‌شناسی تحقیق و تصریح مدل

۳-۱- مدل اقتصادسنجی SYS-GMM

با توجه به مبانی نظری و ادبیات تجربی تحقیق و نیز به پیروی از تحقیقات اودین و همکاران (۲۰۱۷: ۶۱۰) و آیسن و ویقا (۲۰۱۱: ۷) در این تحقیق می‌توان از متغیر وابسته با وقفه در سمت راست معادله استفاده نمود. لذا به منظور تخمین معادله از روش پانل پویا استفاده خواهد شد. یکی از مهم‌ترین مزایای داده پانل پویا این است که به محققان در درک بهتر تعدیل پویای متغیرها کمک می‌کند (بالتاجی^۷، ۲۰۰۵: ۱۳۵). یک معادله پانل پویا به صورت رابطه (۱) نوشته می‌شود:

$$y_{it} = \delta y_{i,t-1} + \beta X_{it} + u_{it} \quad (1)$$

$$i = 1, 2, \dots, N \quad t = 1, 2, \dots, T$$

جایی که δ ، یک اسکالر، X_{it} یک بردار $1 \times K$ و β یک بردار $1 \times K$ است. با فرض اینکه u_{it} از مدل جز خطای یک طرفه تبعیت می‌کند می‌توان نوشت:

$$u_{it} = \mu_i + v_{it} \quad (2)$$

$$\mu_i \sim IID(0, \sigma_\mu^2); \quad v_{it} \sim IID(0, \sigma_v^2)$$

μ_i و v_{it} در بین مقاطع و هر مقطع مستقل از یکدیگر هستند. وجود خود همبستگی بدلیل حضور متغیر وابسته وقفه‌دار در میان متغیرهای توضیحی و وجود اثرات مقطعی ناهمگون در میان مقاطع موجب گردید که برآوردکننده OLS دیگر سازگار نباشد. در نتیجه برآوردکننده OLS^۸ (حتی اگر v_{it} همبستگی سریالی نداشته باشد) ناسازگار و تورش‌دار می‌باشد (بالتاجی؛ ۲۰۰۵: ۱۳۵). بدین ترتیب باید از متغیرهای ابزاری برای رفع

نظام‌های سیاسی بوسیله رأی‌دهندگان توده مردم تعیین می‌شود. بنابراین در شرایط دموکراسی فقرا تمایل دارند دولتی بر سر کار بیاید که مالیات بیشتری دریافت کرده و پرداخت‌های انتقالی بیشتری نیز داشته باشد که این امر می‌تواند منجر به بزرگ شدن اندازه دولت و کاهش رشد اقتصادی گردد.

در مطالعات انجام گرفته رابطه بین دموکراسی و رشد اقتصادی نیز نتایج متفاوتی بدست آمده است. پرزورسکی و لیموگنی^۱ (۱۹۹۳: ۶۹-۵۱) به بررسی ۲۱ نمونه از مطالعات تجربی پیرامون اثر رژیم‌های سیاسی بر رشد اقتصادی پرداختند. نتایج آنها نشان می‌دهد که هشت مطالعه به مزایای دموکراسی و هشت مطالعه به سهم رژیم‌های خودکامه بر رشد اقتصادی تأکید می‌کنند. همچنین در ۵ مطالعه اثر معناداری بین دموکراسی و رشد اقتصادی یافت نشد. بارو (۱۹۹۶: ۲۷-۱) به بررسی رابطه دموکراسی و رشد اقتصادی در صد کشور در بازه زمانی ۱۹۹۰-۱۹۶۰ پرداخت. نتیجه تحقیق وی نشان می‌دهد که یک رابطه منفی اما ضعیف از دموکراسی بر رشد اقتصادی وجود دارد.

حشمتی و کیم^۲ (۲۰۱۷: ۳۹-۱) در تحقیقات خود برای ۱۴۴ کشور در بازه زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۰ نشان دادند که دموکراسی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد و ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای دموکراتیک بیشتر از کشورهای غیردموکراتیک است. گروندلر و کریگر^۳ (۲۰۱۶: ۱۰۷-۸۵) در تحقیق خود برای ۱۸۵ کشور در بازه زمانی ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۱ نشان دادند که رابطه مثبتی بین دموکراسی و رشد اقتصادی وجود دارد. آنها نشان دادند که کشورهای دموکراتیک‌تر دارای جمعیت تحصیلی بالاتر، سهم سرمایه‌گذاری بالاتر و نرخ باروری پایین‌تر می‌باشد اما لزوماً از سطح بالاتر توزیع درآمد برخوردار نیستند. عجم اوغلو و همکاران^۴ (۲۰۱۴: ۶۶-۱) نشان دادند که افزایش دموکراسی از طریق تشویق سرمایه‌گذاری، افزایش سطح تحصیلات و افزایش اصلاحات اقتصادی می‌تواند بر تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و معناداری داشته باشد. نارایان و همکاران^۵ (۲۰۱۰: ۹۱۰-۹۰۰) به بررسی رابطه بین دموکراسی و رشد اقتصادی در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا پرداختند. آنها از داده‌های آزادی سیاسی که توسط مؤسسه آزادی انتشار می‌یابد به عنوان

1. Przeworski & Limogni (1993)
2. Heshmati & Kim (2017)
3. Gründler & Kriegerb (2016)
4. Acemoglu et al. (2014)
5. Narayan et al. (2010)

6. Clague et al. (1996)

7. Baltagi (2005)

8. Ordinary Least Square

تفاضلی خواهند بود. آنها برای حل این مشکل تخمین زن گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی را پیشنهاد دادند که در آن رگرسیون سطحی را با رگرسیون تفاضلی ترکیب می کنند. در این حالت وقفه های تفاضل (مرتب اول یا بیشتر) متغیرها علاوه بر معادله تفاضلی در معادله سطح نیز به عنوان ابزار مورد استفاده قرار می گیرد. روش گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی با بهبود دقت و کاهش تورش حجم نمونه برآوردهای کاراتر و دقیق تری در مقایسه با تفاضل مرتبه اول گشتاورهای تعمیم یافته ارائه می کند (بالتاجی، ۲۰۰۵: ۱۴۸-۱۴۷). بنابراین در این تحقیق از روش گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی استفاده خواهد شد. همچنین براساس پژوهش های آیسن و ویقا (۲۰۱۱: ۴) یکی از روش های تخمین مناسب برای بررسی اثرگذاری شاخص ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی روش گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی می باشد.

در پایان لازم است که اعتبار روش گشتاورهای تعمیم یافته داده های پانل مورد آزمون قرار گیرند. برای این منظور از دو آزمون سارگان برای بررسی سازگاری متغیرهای ابزاری و آزمون آرلانو و باند برای بررسی فرض نبود همبستگی سریالی بین جملات خطا استفاده می شود. تخمین زننده GMM در صورتی سازگار است که همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطای معادله تفاضلی وجود نداشته باشد.

۳-۲- تصریح مدل

هدف مقاله حاضر بررسی اثر شاخص ثبات سیاسی و دموکراسی بر رشد اقتصادی در ۳۴ کشور منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی از جمله ایران است. برای این منظور از شاخص ثبات سیاسی و شاخص دموکراسی در بطن مدل های رشد درونزا استفاده خواهد شد. در این تحقیق جهت برآورد مدل رشد با توجه به مبانی نظری و پیشینه های تحقیق و با اقتباس از مدل اودین و همکاران (۲۰۱۷: ۶۱۳) رابطه (۴) در نظر گرفته شده است:

$$growth_{ti} = \alpha + \ln GDPP_0 + \beta stability_{ti} + \theta democracy_{ti} + \gamma K_{ti} + \varepsilon_{ti}$$

(۴)

۹. عمان، آلبانی، ایران، لبنان، مالزی، ترکیه، گینه، امارات، الجزایر، بحرین، بنگلادش، کامرون، مصر، گامبیا، گایانا، اندونزی، عراق، اردن، کویت، لیبی، مراکش، موزامبیک، نیجر، نیجریه، پاکستان، قطر، عربستان، سنگال، سیرالئون، سومالی، سودان، سوریه، تونس و اوگاندا

مشکلات مذکور استفاده نمود. اندرسون و هشیائو^۱ (۱۹۸۱) از روش برآورد حداقل مربعات دو مرحله ای^۲ 2SLS برای رفع این مشکل استفاده نمودند. ماتياس و سوستر^۳ (۱۹۹۶)، چنین استدلال نمودند که بدلیل انتخاب نوع ابزارها در روش 2SLS ممکن است واریانس ضرایب بزرگ بوده و برآوردکننده ها از لحاظ آماری معنادار نباشند. از این رو روش^۴ GMM به منظور برآورد پارامترها توسط آرلانو و باند^۵ (۱۹۹۱: ۲۹۷-۲۷۷)، پیشنهاد شد. روش گشتاورهای تعمیم یافته نسبت به سایر تخمین زننده های پانلی کاراتر می باشد و زمانی می توان از آن استفاده نمود که تعداد مقاطع (N) از دوره زمانی (T) بیشتر باشد (همان). از طرف دیگر در روش GMM اگر مشکل درون زایی بین متغیر یا متغیرهای توضیحی وجود داشته باشد، این روش می تواند با بکارگیری متغیرهای ابزاری این کاستی را جبران نماید. در این روش با تفاضل گیری از رابطه (۱) μ_i حذف شده است و به صورت رابطه (۳) نوشته می شود که در آن تفاضل مرتبه اول متغیر وابسته با تفاضل مرتبه اول جمله اخلاص همبستگی دارد. بدین ترتیب نیاز به یک متغیر ابزاری است که با وجود همبستگی زیاد با متغیر Δy_{it-1} از تفاضل مرتبه اول جملات اخلاص مستقل باشد.

$$\Delta y_{it} = \delta \Delta y_{i,t-1} + \Delta X_{it} \beta + v_{it} \quad (3)$$

$i = 1, 2, \dots, N, t = 1, 2, \dots, T$

آرلانو و باند (۱۹۹۱: ۲۷۸) نشان دادند که علاوه بر وقفه متغیر وابسته از وقفه متغیرهای برون زای مدل (و وقفه تفاضل مرتبه اول آنها در مدل) نیز می توان به عنوان متغیر ابزاری استفاده نمود. بدین ترتیب، آرلانو و باند که در حقیقت مطالعه هلتنز-ایکین^۶، نیووی و روزن^۷ (۱۹۸۸) را گسترش داده اند، در چارچوب روش گشتاورهای تعمیم یافته، تخمین زننده های کاراتری را برای یک مدل داده های تابلویی پویا پیشنهاد می دهند. اما بلاندل و باند^۸ (۱۹۸۸: ۱۴۳-۱۱۵)، نشان دادند که در روش آرلانو و باند در صورتی که فرایند خودهمبستگی از پایداری زیادی برخوردار باشد یا نسبت واریانس اثرات سطح پانلی به واریانس جملات خطا، بیش از اندازه بزرگ باشد؛ وقفه های متغیرها، ابزارهای ضعیفی برای معادله رگرسیون

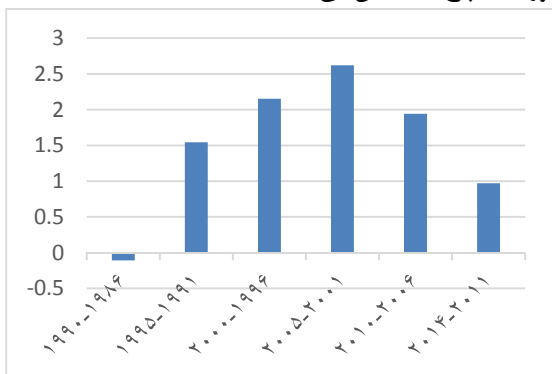
1. Anderson & Hsiao (1981)
2. Two-Stage Least Squares (2SLS)
3. Matyas & Sevestre (1996)
4. Generalized Method of Moments
5. Arellano & Bond (1991)
6. Holtz-Eakin
7. Newey & Rosen (1988)
8. Blundell & Bond (1988)

پژوهش‌های آنها یک درصد افزایش امید به زندگی منجر به افزایش ۲-۱/۷ درصد جمعیت می‌شود. از سوی دیگر در برخی پژوهش‌ها بر اثر مثبت امید به زندگی در تسریع رشد اقتصادی تأکید شده است. به عنوان مثال گالوپ و ساچز^۴ (۲۰۰۱: ۹۱) استدلال می‌کنند که از بین بردن مالاریا در کشورهای زیر صحرای آفریقا می‌تواند نرخ رشد سرانه این قاره را به میزان ۲/۶ درصد در سال افزایش دهد^۵. همچنین براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی^۶ وضعیت ضعیف سلامت به طور ویژه در کشورهای زیر صحرای آفریقا و جنوب آسیا بر توسعه اقتصادی اثرگذار است و لذا کوشش برای ارتقا جایگاه شاخص‌های سلامت می‌تواند منجر به کاهش فقر و توسعه اقتصادی شده و امنیت جهانی را ترویج کند (گزارش سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۱: ۲۴).

۳-۳- داده‌های تجربی

۳-۳-۱- رشد اقتصادی

رشد اقتصادی به عنوان شاخصی که نشان دهنده وضعیت کلی اقتصاد یک کشور می‌باشد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نمودار (۱) روند متوسط نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی را طی دوره‌های پنج‌ساله نشان می‌دهد.



نمودار ۱. میانگین رشد اقتصادی پنج‌ساله

مأخذ: یافته‌های تحقیق، پایگاه داده‌ای PEN

براساس این نمودار تا پنج‌ساله چهارم (۲۰۰۵-۲۰۰۱) نرخ رشد اقتصادی در کشورهای مذکور افزایشی بوده است و در انتهای سال ۲۰۰۵ نرخ رشد اقتصادی به ۲/۶۲ درصد می‌رسد و سپس کاهش می‌یابد به طوری که نرخ رشد اقتصادی در دوره

سرانه پنج ساله کشور I در دوره $t, \ln GDP_{t,i}$ لگاریتم تولید ناخالص داخلی حقیقی سرانه به قیمت ثابت سال ۲۰۱۱ در ابتدای دوره و برای کشور i ، $stability_{t,i}$ ثبات سیاسی در دوره t برای کشور i سایر متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی و $\varepsilon_{t,i}$ جمله اختلال مدل را نشان می‌دهد^۱. در این تحقیق با توجه به ادبیات نظری مدل‌های رشد، برخی از متغیرهای اثرگذار بر رشد اقتصادی شناسایی و رابطه آنها با رشد اقتصادی در کشورهای منتخب سازمان همکاری اسلامی تبیین می‌شود. سهم سرمایه‌گذاری از GDP^۲ به عنوان نماینده شاخص سرمایه‌فیزیکی در این تحقیق در نظر گرفته شده است. براساس تئوری‌های کلاسیک سرمایه‌گذاری اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند. همچنین با توجه به تحقیق آیسن و ویقا (۲۰۱۱: ۵) از نرخ رشد جمعیت در مقاله حاضر استفاده شده است. براساس مبانی نظری موجود افزایش نرخ رشد جمعیت منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی سرانه شده و بنابراین انتظار می‌رود ضریب متغیر نرخ رشد جمعیت منفی باشد.

براساس تحقیقات اودین و همکاران (۲۰۱۷: ۶۱۶) انتشار CO₂ سرانه به عنوان متغیری که میزان توسعه صنعتی و اثرات خارجی زیست محیطی آنرا نشان می‌دهد می‌تواند در مدل رشد اقتصادی لحاظ شود. از آنجا که یکی از منابع اصلی انتشار CO₂ سوخت‌های فسیلی است و کشورهای در حال توسعه به طور گسترده از این سوخت‌ها در بخش‌های مختلف کشاورزی و صنعت (مخصوصاً صنعت سیمان) استفاده می‌کنند، لذا افزایش انتشار CO₂ می‌تواند نشان دهنده افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی و افزایش فعالیت‌های اقتصادی باشد. براساس نظریات اقتصادی اثر انتشار CO₂ بر رشد اقتصادی در مراحل مختلف رشد متفاوت است. انتظار بر آن است که انتشار CO₂ اثر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب مورد بررسی داشته باشد. متغیر دیگر مورد استفاده در مدل فوق امید به زندگی است. امید به زندگی به عنوان نماینده‌ای برای سلامت جامعه می‌تواند اثرات مثبت یا منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد. براساس پژوهش‌های عجم اوغلو و جانسون^۳ (۲۰۰۶: ۳۳-۱)، امید به زندگی منجر به افزایش جمعیت شده و از طریق اثرات غیرقابل شناسایی بر سرمایه انسانی و بهره‌وری عوامل تولید، درآمد سرانه را کاهش می‌دهد. براساس

۱. لازم به ذکر است برای گردآوری متغیرهای تحقیق از پایگاه داده‌ای بانک جهانی، پایگاه ICRG و نسخه ۹ PEN استفاده شده است.

2. Gross Domestic Product

3. Acemoglu & Johnson (2006)

4. Gallup & Sachs (2001)

۵. متأسفانه هیچ کشوری در دوره مورد بررسی تحقیق مذکور به این هدف دست نیافت.

6. World Health Organization

قضایی مستقل، امکان رقابت احزاب سیاسی، حمایت از آزادی‌های فردی و هماهنگی و همکاری میان دولت، مجلس و نهادهای قضایی تعیین می‌شود. حداکثر مقدار مؤلفه مذکور ۶ می‌باشد و مربوط به کشورهایی است که در بیشترین سطح دموکراسی قرار دارند. مقدار متوسط شاخص دموکراسی در کشورهای مورد مطالعه در حدود ۲/۷۶ واحد با انحراف معیار ۰/۲۶۵ می‌باشد. کمترین مقدار این شاخص در دوره سوم (۲۰۰۰-۱۹۹۶) و بیشترین مقدار مربوط به دوره پنجم (۲۰۱۰-۲۰۰۶) می‌باشد. روند این متغیر در سال‌های مورد بررسی در نمودار (۲) ارائه شده است.

دو شاخص آزادی مدنی و حقوق سیاسی نیز که بوسیله مؤسسه آزادی ارائه می‌گردد نشان دهنده میزان دموکراسی در کشورهای مختلف می‌باشد. این شاخص‌ها بوسیله مقیاس ۱ تا ۷ اندازه‌گیری می‌شوند. مقیاس یک نشان دهنده بالاترین مقدار درجه دموکراسی و مقیاس ۷ پایین‌ترین درجه را نشان می‌دهد. مقدار متوسط شاخص حقوق سیاسی و آزادی مدنی به ترتیب در کشورهای مورد بررسی ۵/۱۳ و ۵/۱۹ می‌باشد.



نمودار ۲. متوسط پنج ساله شاخص‌های دموکراسی
مأخذ: یافته‌های تحقیق، پایگاه ICRG و مؤسسه آزادی

همچنین بر اساس جدول (۶) در بین کشورهای مورد مطالعه عربستان و سومالی با مقدار متوسط شاخص حق پاسخگویی دموکراتیک در حدود ۰/۹۶ کمترین مقدار دموکراسی را به خود اختصاص داده‌اند و ترکیه با داشتن مقدار متوسط شاخص حق پاسخگویی دموکراتیک در حدود ۴/۴ واحد بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. بررسی مقدار متوسط دو شاخص حقوق سیاسی و آزادی مدنی نیز نشان می‌دهد به ترتیب عربستان و سوریه با ۶/۹ واحد و سومالی با ۷ واحد بیشترین

ششم (۲۰۱۱-۲۰۱۴) به ۰/۹۷ درصد می‌رسد. این دوره مقارن با تداوم بحران جهانی سال ۲۰۰۸ و تنش‌های موجود در کشورهای اسلامی مانند ظهور بهار عربی در برخی کشورها مانند مصر می‌باشد.

۳-۳-۲- شاخص دموکراسی

همواره دموکراسی به عنوان یک نظام سیاسی مطرح در تحقیقات در نظر گرفته می‌شود. در یک نظام دموکراتیک حق اظهار نظر برای افراد ضعیف جامعه در کنار ثروتمندان فراهم می‌شود. این تغییر ترکیب شهروندان می‌تواند بر فرایند سیاسی کشور اثر مثبت داشته باشد (تاواراس و وسیزرگ^۱، ۲۰۰۱: ۱۳۴۴). دموکراسی سیاسی^۲ بوسیله ویژگی‌هایی مانند آزادی سیاسی^۳، حاکمیت مردمی^۴ (بولن^۵، ۱۹۸۰: ۳۷۵) یا رقابت و هم‌افزایی^۶ (کوپچ و همکاران^۷، ۲۰۰۸: ۶۴۷-۶۳۲) تعریف می‌شود. در تعریف دیگری از دموکراسی بر حقوق سیاسی^۸ و حقوق مدنی^۹ (خانه آزادی^{۱۰}، ۲۰۱۴) و رقابت^{۱۱} تأکید شده است. شاخص حکمرانی جهانی^{۱۲} نیز حق اظهار نظر و پاسخگویی^{۱۳} را به عنوان معیاری برای سنجش دموکراسی سیاسی در نظر می‌گیرد (کافمن و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۱: ۲۲۳).

در این تحقیق از مؤلفه پاسخ‌گویی دموکراتیک^{۱۵} که از پایگاه داده‌ای ICRG بدست آمده است، در کنار شاخص آزادی سیاسی (حقوق سیاسی و آزادی مدنی) برای نشان دادن شاخص دموکراسی استفاده شده است. مؤلفه پاسخ‌گویی دموکراتیک مقیاسی است از اینکه پاسخگویی حکومت در برابر مردم به چه صورت است. اصولاً پاسخگویی کمتر دولت، احتمال اینکه حکومت در یک جامعه دموکراتیک به آرامی و در یک جامعه غیردموکراتیک با خشونت سقوط کند را افزایش می‌دهد. امتیاز این مؤلفه در هر کشور براساس مواردی از قبیل امکان انتخابات آزاد و عادلانه دولت و مجلس، وجود نظام

1. Tavares & Wacziarg (2001)
2. Political Democracy
3. Political Liberties
4. Popular Sovereignty
5. Bollen (1980)
6. Contestation & Inclusiveness
7. Coppedge et al. (2008)
8. Political Rights
9. Civil Rights
10. Freedom House
11. Competition
12. World Governance Indicators
13. Voice and Accountability
14. Kaufmann et al. (2011)
15. Democratic Accountability

سیاسی یک پدیده چند بعدی^۴ است و بنابراین اثرات مختلفی بر رشد اقتصادی دارد (جانگ، ۲۰۰۹: ۱۵). با توجه به ویژگی‌های اغلب کشورهای مورد بررسی در این مقاله از پنج مؤلفه؛ درگیری داخلی، درگیری خارجی، دخالت نظامیان در سیاست، تنش‌های قومی و تنش‌های مذهبی به عنوان شاخص ترکیبی ثبات سیاسی استفاده خواهد شد که بوسیله روش PCA ترکیب شده‌اند. این مؤلفه‌ها از مجموعه مؤلفه‌های ICRG استخراج گردیده است. مهم‌ترین ویژگی مؤلفه‌های ICRG طولانی بودن بازه زمانی داده‌ها و نیز دسترسی راحت به آنها می‌باشد.

۳-۳-۴- روش تحلیل مؤلفه‌های اساسی

روش تحلیل مؤلفه‌های اساسی نخستین بار در سال ۱۹۰۱ توسط پیرسون^۵ ارائه شد، این روش ساختار واریانس متغیرها را با استفاده از ترکیب خطی از متغیرها مدل‌سازی می‌کند. به عبارت دیگر در این روش متغیرهای موجود در یک فضای چند حالتی همبسته به یک مجموعه از مؤلفه‌های غیرهمبسته خلاصه می‌شوند که هر یک از آنها ترکیب خطی از مؤلفه‌های اصلی می‌باشند. مؤلفه‌های غیرهمبسته بدست آمده مؤلفه‌های اساسی (PC) نامیده می‌شوند که از بردارهای ویژه ماتریس کوواریانس یا ماتریس همبستگی متغیرهای اصلی بدست می‌آیند. همواره تعداد مؤلفه‌های اصلی در مدل برابر با تعداد متغیرهای مورد بررسی می‌باشد اما می‌توان تعداد مشخصی از مؤلفه‌ها را تعیین نمود. معمولاً دو یا سه مؤلفه اول مقدار قابل توجهی از پراکندگی‌ها را نشان می‌دهد. معیارهای مختلفی برای تعیین مؤلفه‌های لازم در این روش مورد استفاده قرار می‌گیرند که شامل سه معیار می‌باشند. معیار اول، آزمون اسکری^۶؛ ترسیم مقادیر ویژه در مقابل تعداد مؤلفه‌های اساسی نمودار اسکری را نشان می‌دهد. در این نمودار تغییر در میزان اهمیت مقادیر ویژه برای هر مؤلفه اساسی مشخص می‌شود. معیار دوم، ارزش ویژه: در ارزش ویژه مؤلفه‌هایی که مقدار آنها بزرگ‌تر از یک است در نظر گرفته می‌شوند و از سایر مؤلفه‌ها صرفه نظر می‌شود. معیار سوم، واریانس است که در آن مؤلفه‌هایی که درصد بیشتری از پراکندگی را توضیح می‌دهند برای ادامه کار در نظر گرفته می‌شوند.

مقدار را به خود اختصاص داده‌اند. لازم به ذکر است که افزایش مقدار شاخص فوق نشان دهنده فقدان آزادی سیاسی و دموکراسی در کشورهای مورد مطالعه است. بررسی شاخص‌های فوق در ایران نیز نشان می‌دهد که مقدار متوسط شاخص حق پاسخگویی دموکراتیک در حدود ۳/۳ واحد می‌باشد که از مقدار متوسط کشورهای مورد مطالعه بیشتر است. لذا بر مبنای شاخص حق پاسخگویی مستخرج از پایگاه داده‌ای ICRG مقدار دموکراسی در ایران بالاتر از مقدار متوسط در کشورهای مورد مطالعه قرار دارد. از سوی دیگر، مقدار متوسط شاخص‌های حقوق سیاسی و آزادی مدنی که تحت عنوان آزادی سیاسی و دموکراسی از آن یاد می‌شوند نیز در ایران به ترتیب در حدود ۵/۹ و ۶/۰۶ واحد می‌باشد که از مقادیر متوسط کشورهای مورد مطالعه بیشتر است. بنابراین براساس شاخص‌های فوق ایران پایین‌تر از سطوح مقدار متوسط قرار دارد.

۳-۳-۳- روش شناسی شاخص ترکیبی ثبات سیاسی

تئوری رشد اقتصاد سیاسی جدید توجه ویژه‌ای به ثبات سیاسی به عنوان یک عامل ضروری برای رسیدن به رشد اقتصادی پایدار داشته است. با این حال، شواهدی وجود دارد که در آن برخی کشورها در شرایط بی‌ثباتی سیاسی نیز رشد را تجربه نمودند (گروکوا و کوبا، ۲۰۱۴: ۸۱). این نتایج به طور قابل ملاحظه‌ای به تعریف ثبات (بی‌ثباتی) سیاسی وابسته است. به طور کلی، ثبات یک مفهوم نسبی است و برخی از کشورها نسبت به کشورهای دیگر پایدارتر هستند اما تعداد کمی از آنها می‌توانند استدلال کنند که کاملاً با ثبات و پایدار می‌باشند.^۲ علاوه بر این تقریباً همه کشورها دارای برخی تهدیدهای داخلی و خارجی هستند. اوه و روونی^۳ (۲۰۱۰: ۲۴۴) ریسک سیاسی را در یک کشور به طور گسترده شامل عواملی مانند درگیری نظامی داخلی و خارجی، تنش‌های قومی و مذهبی، بی‌ثباتی سیاسی، ضعف قوانین، اختلالات مدنی، فساد دولتی و خصوصی، نارضایتی عمومی از شرایط اجتماعی، شرایط سرمایه‌گذاری نامناسب و بروکراسی ضعیف در نظر گرفتند. پژوهش‌های مختلف در حوزه ثبات سیاسی نشان داد که ثبات

4. Multidimensional
5. Pearson
6. Scree Test

1. Grochová & Kouba (2014)

۲. برای مطالعه بیشتر به مقاله ژانگ، ۲۰۱۲ مراجعه شود.

3. Oh & Reuveny (2010)

۳-۳-۵- معرفی مؤلفه‌های مورد استفاده در تحقیق

در ادامه به معرفی پنج مؤلفه مورد استفاده در تحقیق پرداخته می‌شود.

درگیری داخلی^۱: درگیری داخلی به ارزیابی خشونت سیاسی در کشور و تأثیر بالقوه آن بر حکمرانی توجه می‌کند. این شاخص از سه مؤلفه فرعی با حداکثر ۴ امتیاز تشکیل شده است که عبارتند از: جنگ داخلی / تهدید به کودتا، خشونت سیاسی تروریسم و اغتشاشات شهری. بیشترین امتیاز ۱۲ است و مربوط به کشورهایی است که هیچ‌گونه مقابله مسلحانه با حکومت در آن وجود ندارد و بالعکس کمترین مقدار به کشورهایی تعلق می‌گیرد که درگیر جنگ داخلی مداوم باشند. براساس داده‌های تحقیق کمترین میزان این داده مربوط به دوره اول در حدود ۵/۹۲ واحد و بیشترین آن مربوط به دوره چهارم می‌باشد. روند مؤلفه مذکور در نمودار (۳) ارائه شده است. همان طور که از این نمودار مشخص است روند مؤلفه درگیری داخلی بعد از دوره چهارم کاهش یافته است. روند کاهشی مؤلفه درگیری داخلی نشان دهنده افزایش تعارضات داخلی در برخی کشورهای مورد بررسی است.

درگیری خارجی^۲: مؤلفه درگیری خارجی ارزیابی دینوع ریسک برای حکومت شامل فشار خارجی بدون خشونت (فشارهای دیپلماتی، محدودیت‌های تجاری) و فشار خارجی همراه با خشونت (درگیری مرزی و جنگ کامل) را در بر می‌گیرد؛ درگیری خارجی از راه‌های زیادی می‌تواند بر تجارت خارجی اثر منفی بگذارد که می‌توان به محدودیت‌های مجوزهای سرمایه‌گذاری و تجارت، اختلال در تخصیص منابع اقتصادی و تغییر ساختار رشد در جامعه اشاره نمود. امتیاز ریسک از مجموع این مؤلفه‌های فرعی «جنگ، درگیری بین مرزی و فشار خارجی» حاصل می‌شود. براساس نمودار (۳) روند مؤلفه درگیری خارجی تا دوره چهارم افزایش یافته است بدین معنا که درگیری خارجی در طی این دوران در کشورهای منتخب مورد مطالعه کاهش یافته و سپس تغییر می‌کند.

دخالت نظامیان در سیاست^۳: دخالت نظامیان در سیاست معنای مختلفی دارد. از یکسو دخالت نظامیان در سیاست حتی در سطح جانبی به معنای کاهش پاسخگویی حکومت در برابر مردم است و از سوی دیگر دخالت نظامیان در کشور می‌تواند

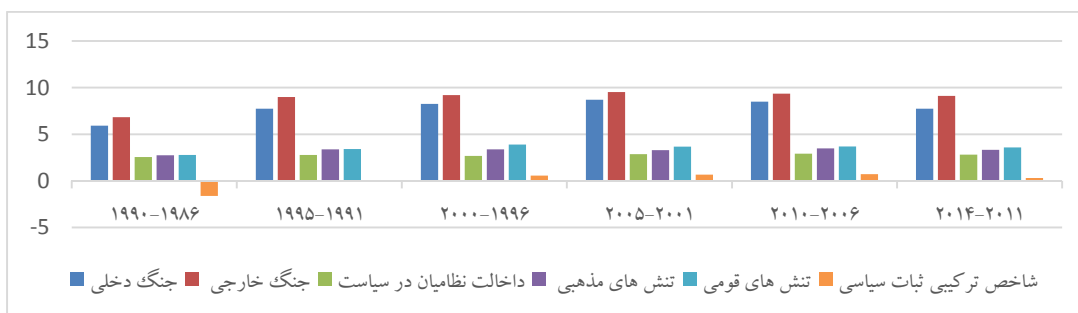
بدلیل تهدیدهای داخلی و خارجی صورت پذیرد. در نهایت در هر دو حالت نشانه ناتوانی حکومت و عملکرد مؤثر آن است. لذا کشور محیط مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری محسوب نمی‌شود. بیشترین مقدار این شاخص ۶ امتیاز بوده و به کشورهایی اشاره دارد که کمترین ریسک سیاسی را دارا می‌باشند و کمترین مقدار آن صفر است که یک رژیم کاملاً نظامی با بیشترین ریسک را نشان می‌دهد. به طور متوسط مقدار شاخص در کشورهای مورد مطالعه در حدود ۲/۷۷ واحد با انحراف معیار ۰/۱۲ می‌باشد. کمترین مقدار این شاخص در دوره اول و بیشترین مقدار مربوط به دوره پنجم می‌باشد.

تنش‌های نژادی^۴: مؤلفه تنش‌های نژادی به ارزیابی درجه تنش در یک کشور نسبت به تقسیمات نژادی، ملی و زبانی اختصاص دارد. از مجموع ۶ امتیاز اختصاص یافته به این شاخص پایین‌ترین امتیاز به کشورهایی داده می‌شود که تنش‌های نژادی و ملی بدلیل مقابله با گروه‌های متعصب در آنها بیشتر است. به طور متوسط مقدار این شاخص در کشورهای مورد مطالعه در حدود ۳/۵ واحد با انحراف معیار ۰/۳۵ می‌باشد. کمترین مقدار این شاخص در دوره اول و بیشترین مقدار مربوط به دوره سوم می‌باشد.

تنش‌های مذهبی^۵: تنش‌های مذهبی ممکن است از تسلط جامعه یا حکومت توسط یک گروه مذهبی نشأت بگیرد. جلوگیری از آزادی مذاهب از مصادیق تنش‌های مذهبی است که می‌تواند منجر به کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در کشور شود. بیشترین مقدار این مؤلفه ۶ واحد است که به کشورها با حداقل تنش مذهبی اختصاص دارد. به طور متوسط مقدار شاخص در کشورهای مورد مطالعه در حدود ۳/۲۶ واحد با انحراف معیار ۰/۲۴ می‌باشد. کمترین مقدار این شاخص در دوره اول و بیشترین مقدار مربوط به دوره پنجم می‌باشد. روند شاخص ترکیبی ثبات سیاسی در نمودار (۳) ارائه شده است. بر این اساس روند شاخص ثبات سیاسی تا دوره پنجم افزایش یافته است. این بدین معناست که تا دوره پنجم (۲۰۱۰-۲۰۰۶) شاخص ثبات سیاسی ارتقا یافته است و پس از این روند کاهشی شده است.

1. Internal Conflict
2. External Conflict
3. Military in Politics

4. Ethnic Tensions
5. Religious Tensions



نمودار ۳. روند شاخص ثبات سیاسی
 مأخذ: محاسبات تحقیق و پایگاه داده‌ای ICRG

پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از تخمین الگوهای مختلف رشد در جدول (۳) گزارش شده است. تخمین‌های بدست آمده نشان می‌دهد که ضرایب مؤلفه‌های جنگ داخلی، دخالت نظامیان در سیاست، تنش‌های مذهبی و تنش‌های قومی اثر معناداری بر رشد اقتصادی ندارند، اما اثر مؤلفه جنگ داخلی بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه مثبت و در سطح ۹۵ درصد معنادار است.^۲

در ادامه با توجه به همبستگی بین پنج مؤلفه فوق،^۳ با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اساسی شاخص ترکیبی جدیدی برای ثبات سیاسی طراحی شده و مجدداً به تخمین الگوهای رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. سپس برای بررسی استحکام الگوهای رشد شاخص دموکراسی نیز به مدل اضافه می‌شود. نتایج تخمین الگوهای مختلف رشد در جدول (۴) گزارش شده است.

بر این اساس اثر وقفه متغیر وابسته بر نرخ رشد اقتصادی در کلیه الگوها منفی و معنادار است این موضوع دلالت بر نوسانی بودن نرخ رشد اقتصادی در کشورهای OIC در طول دوره مورد بررسی دارد و با عنایت به اینکه ضریب فوق کوچک‌تر از یک است لذا می‌توان استدلال نمود که در بلندمدت نرخ رشد اقتصادی این کشورها همگرا می‌شود. لگاریتم مقدار تولید ناخالص داخلی سرانه در ابتدای دوره در کلیه مدل‌ها اثر منفی و معناداری بر نرخ رشد اقتصادی دارد. مقدار منفی این متغیر نشان دهنده همگرایی شرطی در رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه است. بارو و سالای مارتین^۴ (۱۹۹۵: ۵۲۱)، آیسن و ویقا (۲۰۱۱: ۹)، نیز در تحقیقات خود به

۲. لازم به ذکر است افزایش مؤلفه‌های فوق نشان دهنده بهبود شرایط سیاسی و افزایش ثبات سیاسی است.
 ۳. نتایج آزمون بارتلت و بررسی همبستگی بین مؤلفه‌های ثبات سیاسی نزد نویسندگان موجود است.

4. Barro & Sala-i-Martin (1995)

۴- برآورد مدل تحقیق

در این مقاله برای بررسی اثرگذاری شاخص‌های ثبات سیاسی و دموکراسی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی از روش پانل پویا در چارچوب رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی استفاده می‌شود. پیش از برآورد مدل‌های رشد ابتدا به بررسی مانایی متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود. برای این منظور از آزمون لوین، لین و چو^۱ استفاده شده است. براساس نتایج جدول (۲) کلیه متغیرهای مورد بررسی مانا می‌باشند.

جدول ۲. نتایج آزمون مانایی براساس آزمون LLC

-۲۱/۶۳(۰/۰۰۰)	نرخ رشد اقتصادی
-۳۳/۷(۰/۰۰۰)	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه اولیه
-۱۹/۹۲(۰/۰۰۰)	نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی
-۹۵/۹(۰/۰۰۰)	نرخ رشد جمعیت
-۲۶/۳۸(۰/۰۰۰)	امید به زندگی
-۱۲/۹۴(۰/۰۰۰)	انتشار CO ₂
-۶۹/۱۳(۰/۰۰۰)	شاخص ترکیبی ثبات سیاسی
-۲۰/۱(۰/۰۰۰)	شاخص حق پاسخگویی دموکراتیک
-۳۳/۱۹(۰/۰۰۰)	شاخص آزادی مدنی
-۶۹/۴۸(۰/۰۰۰)	حقوق سیاسی
-۲۲/۴۶(۰/۰۰۰)	تعارضات داخلی
-۳۷/۷(۰/۰۰۰)	تعارضات خارجی
-۲۰۴/۲(۰/۰۰۰)	دخالته نظامیان در سیاست
-۲۷/۲۳(۰/۰۰۰)	تنش‌های قومی
-۳۵/۱(۰/۰۰۰)	تنش‌های مذهبی

مأخذ: محاسبات تحقیق (اعداد داخل پرانتز مقادیر احتمال است)
 برای بررسی اثر شاخص ثبات سیاسی در ابتدا به برآورد الگوهای رشد اقتصادی کشورهای اسلامی با استفاده از پنج مؤلفه ثبات سیاسی شامل جنگ داخلی، جنگ خارجی، دخالت نظامیان در سیاست، تنش‌های مذهبی و تنش‌های قومی

1. Levin, Lin & Chu

که در مدل‌های رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است رشد جمعیت است. مقدار رشد جمعیت در کلیه مدل‌ها اثر منفی و معناداری بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه دارد. این بدین معناست که مقدار افزایش تولید اقتصادی کمتر از میزان نرخ رشد زاد و ولد بوده که در نتیجه آن نرخ رشد اقتصادی سرانه کاهش یافته است. این نتیجه با تحقیقات آیسن و ویقا (۲۰۱۱: ۹) مطابقت دارد.

رابطه منفی بین مقدار اولیه تولید ناخالص داخلی سرانه و رشد اقتصادی دست یافتند.

نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی در کلیه مدل‌ها نیز اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. مقدار ضریب متغیر فوق بین ۰/۱۲ تا ۰/۱۶ در نوسان بوده و در کلیه مدل‌ها در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. براساس تئوری‌های رشد اقتصادی همواره انباشت سرمایه اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. بنابراین نتیجه فوق با مبانی نظری و تحقیقات اودین و همکاران (۲۰۱۷: ۶۱۶) همسو می‌باشد. متغیر دیگری

جدول ۳. نتایج تخمین مدل رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی (OIC) به روش پانل پویا

مدل (۵)	مدل (۴)	مدل (۳)	مدل (۲)	مدل (۱)	
-۰/۱۴ (۰/۰۵)	-۰/۱۴ (۰/۰۴)	-۰/۱۴ (۰/۰۶)	-۰/۱۵ (۰/۰۲)	-۰/۱۶ (۰/۰۱)	وقفه متغیر وابسته (نرخ رشد اقتصادی)
-۰/۶۸ (۰/۰۵)	-۰/۷۲ (۰/۰۳)	-۰/۷۳ (۰/۰۲)	-۰/۶ (۰/۰۱)	-۰/۵۶ (۰/۰۸)	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه
۰/۱۴ (۰/۰۱)	۰/۱۴ (۰/۰۰۳)	۰/۱۴ (۰/۰۰۲)	۰/۱۶ (۰/۰۰۱)	۰/۱۴ (۰/۰۰۲)	نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی
-۰/۷۵ (۰/۰۱)	-۰/۷۵ (۰/۰۱)	-۰/۷۴ (۰/۰۱)	-۰/۷۳ (۰/۰۲)	-۰/۷۵ (۰/۰۱)	نرخ رشد جمعیت
-۰/۱۳ (۰/۰۱)	-۰/۱۴ (۰/۰۰۳)	-۰/۱۴ (۰/۰۱)	-۰/۲ (۰/۰۰۱)	-۰/۱۹ (۰/۰۰۱)	امید به زندگی
۰/۰۹ (۰/۰۱)	۰/۰۹ (۰/۰۱)	۰/۰۹ (۰/۰۱)	۰/۱۴ (۰/۰۰۰)	۰/۰۷ (۰/۰۷)	انتشار CO ₂
-	-	-	-	۰/۵۴ (۰/۰۵)	تعارضات داخلی
-	-	-	۰/۴۱ (۰/۲)	-	تعارضات خارجی
-	-	۰/۱ (۰/۸)	-	-	دخالت نظامیان در سیاست
-	۰/۱۳ (۰/۶)	-	-	-	تنش‌های قومی
۰/۱۸ (۰/۵)	-	-	-	-	تنش‌های مذهبی
۲۳ (۰/۰۰۲)	(۰/۰۰۰)	۱۳/۴ (۰/۰۰۰)	۱۱/۶ (۰/۰۲)	۱۱/۲ (۰/۰۲)	عدد ثابت
۱۲/	۱۳/۱۴				

مأخذ: محاسبات تحقیق (اعداد داخل پرانتز مقادیر احتمال است)

شاخص فوق در کلیه مدل‌های مورد بررسی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای OIC در طول دوره مورد بررسی دارد. این نتیجه با تحقیق اودین و همکاران (۲۰۱۷: ۶۱۶) مطابقت دارد.

ضریب شاخص ترکیبی ثبات سیاسی در مدل‌های مورد بررسی در بازه ۰/۹۱-۰/۸۳ متغیر بوده و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. این بدین معناست که با افزایش ثبات سیاسی در کشورهای OIC نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه افزایش می‌یابد. این نتیجه با تحقیقات لاجیلی و گیلز (۲۰۱۸: ۱)، اودین و همکاران (۲۰۱۷: ۱۷)، حیدری و علی‌نژاد (۱۳۹۳: ۱۶۱) و اصغری‌پور و همکاران (۱۳۹۲: ۱۷۵) مطابقت دارد.

در این تحقیق از شاخص حق پاسخگویی دموکراتیک، حقوق سیاسی و آزادی مدنی به عنوان شاخصی که نشان دهنده سطح دموکراسی در کشورهای مختلف می‌باشد استفاده

امید به زندگی یکی دیگر از متغیرهای مورد استفاده در تحقیق حاضر می‌باشد که میزان ارتقا سطح سلامت در کشورها را نشان می‌دهد. مقدار ضریب شاخص امید به زندگی در کلیه مدل‌های تحقیق منفی و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. این نتیجه نشان می‌دهد که افزایش امید به زندگی باعث ارتقا سطح سلامت جامعه شده و میزان جمعیت را در کشورهای مورد مطالعه افزایش داده است. از آنجا که میزان رشد اقتصادی از میزان تغییرات جمعیت کمتر بوده است در نهایت تولید ناخالص داخلی سرانه کاهش می‌یابد. این نتیجه با نتیجه پژوهش عجم اوغلو و جانسون (۲۰۰۶: ۳۲) مطابقت دارد. ضریب انتشار CO₂ به عنوان متغیر دیگری که بر رشد اقتصادی اثرگذار می‌باشد در مدل سازی رشد بکار رفته است. در مدل سازی رشد اقتصادی عموماً از میزان انتشار CO₂ به عنوان شاخصی که نشان دهنده توسعه صنعتی کشورهای مورد مطالعه است استفاده می‌شود. براساس نتایج تحقیق ضریب

تحقیق نشان می‌دهد که افزایش شاخص‌های مذکور (که به معنای کاهش دموکراسی می‌باشند) منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود. بنابراین با توجه به سه مدل آخر رابطه مستقیمی بین دموکراسی و رشد اقتصادی وجود دارد. به طوری که افزایش (کاهش) دموکراسی منجر به افزایش (کاهش) رشد اقتصادی می‌گردد. این نتیجه با مطالعات لاجیلی و گیلس (۲۰۱۸: ۱) منطبق می‌باشد.

شده است. براساس جدول (۴) ضریب شاخص حق پاسخگویی دموکراتیک در مدل هفتم اثر مثبت و معناداری (در سطح اطمینان ۹۰ درصد) بر رشد اقتصادی دارد. مقدار مثبت ضریب فوق نشان می‌دهد که افزایش این شاخص در کشورهای OIC در دوره مورد بررسی اثر مثبت و معناداری بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه دارد. در مدل هشتم و نهم نیز به ترتیب از حقوق سیاسی و آزادی مدنی به عنوان شاخصی برای تبیین دموکراسی در کشورهای مورد بررسی استفاده شده است. نتایج

جدول ۴. نتایج تخمین مدل رشد اقتصادی در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی (OIC) به روش پانل پویا

مدل (۹)	مدل (۸)	مدل (۷)	مدل (۶)	
-۰/۲۱ (۰/۰۱)	-۰/۱۹ (۰/۰۱)	-۰/۱۶ (۰/۰۲)	-۰/۱۵ (۰/۰۱)	وقفه متغیر وابسته (نرخ رشد اقتصادی)
-۰/۵۴ (۰/۰۸)	-۰/۵۱ (۰/۰۸)	-۰/۶۸ (۰/۰۲)	-۰/۷۲ (۰/۰۵)	لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه اولیه
۰/۱۲ (۰/۰۱)	۰/۱۲ (۰/۰۱)	۰/۱۳ (۰/۰۰۳)	۰/۱۶ (۰/۰۰۳)	نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی
-۰/۷۸ (۰/۰۱)	-۰/۷۷ (۰/۰۱)	-۰/۷۳ (۰/۰۱)	-۰/۷۸ (۰/۰۱)	نرخ رشد جمعیت
-۰/۱۳ (۰/۰۳)	-۰/۱۳ (۰/۰۲)	-۰/۲۰ (۰/۰۰۲)	-۰/۲۱ (۰/۰۲)	امید به زندگی
۰/۱۱ (۰/۰۰۰)	۰/۱۱ (۰/۰۰۰)	۰/۱۲ (۰/۰۰۳)	۰/۱۲ (۰/۰۰۰)	انتشار CO ₂
۰/۸۷ (۰/۰۲)	۰/۸۹ (۰/۰۳)	۰/۸۳ (۰/۰۵)	۰/۹۱ (۰/۰۵)	شاخص ترکیبی ثبات سیاسی
-	-	۰/۴۸ (۰/۱)	-	شاخص دموکراسی
-	-۰/۴۴ (۰/۰۳)	-	-	حقوق سیاسی
-۰/۵۹ (۰/۰۵)	-	-	-	آزادی مدنی
۱۴/۸ (۰/۰۰۰)	۱۴/۰۱ (۰/۰۰۰)	۱۵/۲ (۰/۰۰۰)	۱۷/۳ (۰/۰۰۰)	عدد ثابت

مأخذ: محاسبات تحقیق (اعداد داخل پرانتز مقادیر احتمال است)

جدول ۵. آزمون تشخیص

آزمون هانسن	آزمون سارگان	آزمون خودهمبستگی مرتبه دوم	آزمون خود همبستگی مرتبه اول	آزمون والد	
۳۰/۲۱ (۰/۳۵)	۲۹/۰۸ (۰/۴۱)	۰/۹۵ (۰/۳۴)	-۲/۰۱ (۰/۰۴)	۴۴/۳۴ (۰/۰۰)	مدل (۱)
۲۵/۵۴ (۰/۶۹)	۳۲/۵ (۰/۳۲)	۰/۸۳ (۰/۴۱)	-۲/۰۶ (۰/۰۴)	۳۹/۱۰ (۰/۰۰)	مدل (۲)
۲۷/۸۴ (۰/۳۷)	۲۹/۲۳ (۰/۳)	۰/۷۸ (۰/۴۳)	-۲/۰۸ (۰/۰۴)	۳۵/۰۹ (۰/۰۰)	مدل (۳)
۲۷/۹۲ (۰/۳۶)	۲۹/۴ (۰/۳)	۰/۷۵ (۰/۴۵)	-۲/۰۶ (۰/۰۴)	۳۹/۳۹ (۰/۰۰)	مدل (۴)
۲۸/۱۵ (۰/۳۵)	۲۹/۵ (۰/۳)	۰/۸۱ (۰/۴۲)	-۲/۰۶ (۰/۰۴)	۳۱/۹ (۰/۰۰)	مدل (۵)
۲۱/۱۲ (۰/۴۵)	۲۰/۴۵ (۰/۵)	۰/۷۱ (۰/۵)	-۱/۹۶ (۰/۰۵)	۳۵/۴۱ (۰/۰۰)	مدل (۶)
۲۹/ (۰/۳۱)	۳۱/۴۱ (۰/۳۱)	۰/۳۷ (۰/۷۱)	-۲/۱۹ (۰/۰۳)	۵۶/۸۶ (۰/۰۰)	مدل (۷)
۲۹/۷۳ (۰/۲۰)	۲۴/۵۴ (۰/۴۳)	۰/۴۶ (۰/۶۵)	-۲/۳۳ (۰/۰۲)	۶۳/۳۴ (۰/۰۰)	مدل (۸)
۲۴/۲۳ (۰/۴)	۱۷/۵ (۰/۷۸)	۰/۴۴ (۰/۶۶)	-۲/۲۲ (۰/۰۳)	۷۴/۷ (۰/۰۰)	مدل (۹)

مأخذ: محاسبات تحقیق (اعداد داخل پرانتز مقادیر احتمال است)

تمام ضرایب در سطح معنی‌داری یک درصد رد شده و در نتیجه اعتبار ضرایب برآوردی در مدل‌ها تأیید می‌شود. جهت اطمینان از عدم وجود خودهمبستگی در اجزای اخلاص از آزمون خودهمبستگی مرتبه اول و دوم آرولانو و باند استفاده می‌شود. بر اساس نتایج جدول (۵) فرضیه صفر مبنی بر عدم خودهمبستگی درجه اول تفاضل مرتبه اول اجزا اخلاص در کلیه مدل‌های مورد بررسی رد می‌شود. اما فرضیه صفر عدم

در پایان، پس از برآورد مدل‌ها، لازم است که آزمون‌های تشخیص مانند آزمون والد، آزمون خود همبستگی مرتبه اول و دوم آرولانو و باند، آزمون سارگان و آزمون هانسن جهت تأیید مدل و درستی نتایج انجام گیرد. نتایج آزمون‌های فوق در جدول (۵) ارائه شده است. براساس نتیجه آزمون والد که دارای توزیع کای دو با درجه آزادی برابر تعداد متغیرهای توضیحی مدل منتهای عدد ثابت است فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن

درگیری خارجی، دخالت نظامیان در سیاست، تنش‌های مذهبی و تنش‌های نژادی استفاده شد. نتایج حاصل از تخمین الگوهای رشد برای مؤلفه‌های فوق نشان داد که کاهش جنگ داخلی ارتباط مثبت و معناداری با رشد اقتصادی دارد اما کاهش سایر مؤلفه‌های مورد بررسی اثر معناداری بر رشد اقتصادی ندارند. در ادامه الگوی رشد دیگری با استفاده از شاخص ترکیبی ثبات سیاسی و نیز شاخص دموکراسی طراحی شد. شاخص ترکیبی جدید، متشکل از پنج مؤلفه فوق است که با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اساسی PCA بدست آمده است. همچنین در تحقیق حاضر برای بررسی اثر دموکراسی بر رشد اقتصادی از سه متغیر حق پاسخگویی دموکراتیک، آزادی مدنی و حقوق سیاسی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که شاخص ترکیبی ثبات سیاسی، نسبت سرمایه‌گذاری به GDP، شاخص حق پاسخگویی دموکراتیک و انتشار CO2 اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. به علاوه شاخص امید به زندگی، آزادی مدنی و حقوق سیاسی نیز اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی در کشورهای OIC را نشان می‌دهند.

مقایسه ضرایب متغیرهای استفاده شده در تحقیق نشان داد که اثرگذاری شاخص ثبات سیاسی نسبت به سایر متغیرهای نهادی بیشتر است. این موضوع حاکی از آن است که فارغ از نوع رژیم سیاسی، برقراری ثبات سیاسی در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی برای رسیدن به رشد اقتصادی مناسب لازم است. همچنین براساس مبانی نظری تحقیق برای ارتقا سرمایه‌گذاری، تضمین حقوق مالکیت و برقراری شرایط با ثبات در کشورهای مورد بررسی امری ضروری می‌باشد.

در پایان پس از برآورد مدل از آزمون‌های اساسی تشخیص نظیر آزمون والد، خود همبستگی مرتبه اول و دوم آرولانو باند، آزمون سارگان و هانسن جهت تأیید و درستی نتایج استفاده شد. طبق نتایج این آزمون‌ها، عدم همبستگی ابزارها با اجزا اخلاص و عدم وجود خودهمبستگی سریالی درجه دوم در تفاضل جملات اخلاص پذیرفته است و بنابراین ابزارهای بکار رفته در مدل از اعتبار لازم برخوردار هستند.

خودهمبستگی سریالی درجه دوم تفاضل جملات اخلاص را در مدل نمی‌توان رد نمود. لذا مرتبه خودهمبستگی بین جملات اخلاص در کلیه مدل‌ها از مرتبه یک بوده و بنابراین روش آرولانو و باند روش مناسبی برای حذف اثرات ثابت مدل‌ها باشد. در پایان برای بررسی معتبر بودن ماتریس ابزارها از آزمون سارگان و آزمون هانسن استفاده می‌شود. براساس این آزمون فرضیه صفر مبنی بر عدم همبستگی ابزارها با اجزا اخلاص در کلیه مدل‌ها پذیرفته شده است و لذا ابزارهای بکار رفته در مدل‌ها معتبر بوده و در نتیجه تخمین زنده گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی سازگار می‌باشد. لذا نتایج ضرایب برآورد شده در هر ۹ مدل تخمین زده شده از نظر آماری تأیید شده و قابل تفسیر است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

رشد اقتصادی در بین متغیرهای اقتصاد کلان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و افزایش آن می‌تواند به بهبود سطح رفاه جامعه کمک کند. به همین دلیل شناسایی عوامل مؤثر بر آن به منظور اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب در جهت افزایش رفاه جامعه همواره مورد نظر پژوهشگران بوده است. ادبیات رشد اقتصادی با مطالعات تجربی فراوان تکامل یافته است که در آنها عوامل مختلفی برای رسیدن به رشد اقتصادی در نظر گرفته شده است. عموماً مطالعات گذشته در چارچوب مدل رشد نئوکلاسیک و مدل رشد درون‌زا به بررسی عوامل مختلف اثرگذار بر رشد اقتصادی می‌پردازند. ناهمگونی در مدل‌های رشد اقتصادی نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر رشد نه تنها شامل منابع رشد مانند سرمایه‌گذاری و نیروی انسانی هستند بلکه عوامل نهادی و سیاسی نیز در رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر مؤثر می‌باشند.

در مقاله حاضر به بررسی اثر ثبات سیاسی و دموکراسی بر رشد اقتصادی در ۳۴ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی در بازه زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۶ با استفاده از روش پانل پویا پرداخته شده است. برای اندازه‌گیری شاخص ثبات سیاسی با توجه به شرایط کشورهای مورد مطالعه از پنج مؤلفه درگیری داخلی،

منابع

آقاصفری، حنا؛ امینی‌زاده، میلاد و کرباسی، علیرضا (۱۳۹۸). "بررسی نقش نهادها و زیرساخت‌ها بر تجارت دوجانبه ایران با شرکای عمده تجاری". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۵،

۷۸-۵۳.

اصغرپور، حسین؛ احمدیان، کسری و منیعی، امید (۱۳۹۲). "اثر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی ایران: رهیافت غیرخطی APARCH". فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های

- پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۸، شماره ۳۰، ۱۷-۳۳.
- کميجانی، اکبر؛ گرجی، ابراهیم و اقبالی، علیرضا (۱۳۹۲). "اقتصاد سیاسی رشد اقتصادی". فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۱، شماره ۶۵، ۶۱-۸۲.
- میرجلیلی، سید حسین؛ محسنی چراغلو، امین و صفری، امید (۱۳۹۷). "بررسی عوامل مؤثر بر رشد فراگیر کشورهای منتخب سازمان همکاری اسلامی". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۸، شماره ۳۲، ۴۷-۶۰.
- Acemoglu, D. & Johnson, S. (2006). "Disease and Development: The Effects of Life Expectancy on Economic Growth". *NBER, Working Paper 12269*. PP. 1-88.
- Acemoglu, D., Naidu, S., Restrepo, P. & Robinson, J. (2014). "Democracy Does Cause Growth". *NBER Working Paper Series*.
- Acemoglu, M., Johnson, S., Robinson, J. & Thaicharoen, Y. (2003). "Institutional Causes, Macroeconomic Symptoms: Volatility, Crises and Growth". *Journal of Monetary Economics*, 50, 49-123.
- Ahmed, M. U. & Pulok, M. H. (2013). "The Role of Political Stability on Economic Performance: The Case of Bangladesh". *Journal of Economic Cooperation and Development*, 34(3), 61-100.
- Aisen, A. & Veiga, F. J. (2011). "How Does Political Instability Affect Economic Growth?". *IMF Working Paper*, PP. 1-29.
- Alesina, A. & Perotti, R. (1996). "Income Distribution, Political Instability, and Investment". *European Economic Review*, 40(3), 1203-1228.
- Alesina, A. & Tabellini, G. (1989). "External Debt, Capital Flight and Political Risk". *Journal of International Economics*, 27, 199-220.
- Alesina, A., Ozler, S., Roubini, N. & Swagel, P. (1996). "Political Instability and Economic Growth". *Journal of Economic Growth*, 1(2), 189-211.
- اقتصادی، سال ۲۱، شماره ۶۸، ۱۹۴-۱۷۵.
- حیدری، حسن و علی‌نژاد، رقیه (۱۳۹۳). "رابطه بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی: شواهدی جدید از کشورهای اسلامی گروه دی هشت". فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۸۰-۱۶۱.
- ساندرز، دیوید (۱۳۹۶). "الگوهای بی‌ثباتی". ترجمه از پژوهشکده مطالعات راهبردی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم.
- عرب‌مازار، علی‌اکبر؛ مشرفی، رسام و مصطفی‌زاده، محمد (۱۳۹۷). "اقتصاد سیاسی رشد و تأثیر برخی از عوامل بنیادی بر رشد اقتصادی ایران". فصلنامه علمی پژوهشی
- Anderson, T. W. & Hsiao, C. (1981). "Estimation of Dynamic Models with Error Components". *Journal of American Statistical Association*, 76, 598-606.
- Arellano, M., Bond, S. (1991). "Some Tests of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and an Application to Employment Equations". *Review of Economic Studies*, 58, 277-297.
- Aziz, N. & Ahmad, A. H. (2018). "Institutions and Economic Growth: Does Income Level Matter?". *MPRA Paper*. 83684, PP. 1-35.
- Baltagi, B. (2005). "Econometric Analysis of Panel Data". *John Wiley & Sons Ltd, Third Edition*.
- Barro, R. & Sala-i-Martin, X. (1995). "Economic Growth". *New York: McGrawHil*.
- Barro, R. J. (1991). "Economic Growth in a Cross Section of Countries". *The Quarterly Journal of Economics*, 106(2), 407-443.
- Barro, R. J. (1996). "Democracy and Growth". *Journal of Economic Growth*, 1(1), 1-27.
- Bashir, M. & Xu, C. (2014). "Impact of Political Freedom, Economic Freedom and Political Stability on Economic Growth". *Journal of Economics and Sustainable Development*, 5(22), 59-67.
- Blanco, L. & Grier, R. (2009). "Long Live Democracy: The Determinants of Political Instability in Latin America". *The Journal of Development Studies*, 45(1), 76-95.
- Blundell, R. & Bond, S. (1998). "Initial

- Conditions and Moment Restrictions in Dynamic Panel Data Models". *Journal of Econometrics*, 87(1), 115-143.
- Bollen, K. A. (1980). "Issues in the Comparative Measurement of Political Democracy". *American Sociological Review*, 45, 370-390.
- Burkhart, R. E., & Lewis-Beck, M. S. (1994). "Comparative Democracy: The Economic Development Thesis". *American Political Science Review*, 88(4), 903-910
- Campos, N. F., Karanasos, M. G. & Tan, T. (2012). "Two to Tangle: Financial Development, Political Instability and Economic Growth in Argentina". *Journal of Banking & Finance*, 36(1), 290-304.
- Clague, C., Keefer, P., Knack, S. & Olson, M. (1996). "Property and Contract Rights in Autocracies and Democracies". *Journal of Economic Growth*, 1(2), 243-276.
- Coppedge, M., Alvarez, A. & Maldonado, C. (2008). "Two Persistent Dimensions of Democracy: Contestation and Inclusiveness". *The Journal of Politics*, 70(3), 632-647.
- Cukierman, A., Edwards, S. & Tabellini, G. (1992). "Seignorage and Political Instability". *American Economic Review*, 82(3), 537-555.
- Deutsch, Karl, W. (1961). "Social Mobilization and Political Development". *American Political Science Review*, 60, 493-514.
- Drury, A. C., Kriekhaus, J. & Lusztig, M. (2006). "Corruption, Democracy, and Economic Growth". *International Political Science Review*, 27(2), 121-136.
- Feng, Y. (1997). "Democracy, Political Stability and Economic Growth". *British Journal of Political Science*, 27(3), 391-418.
- Findlay, R. (1990). "The New Political Economy: Its Explanatory Power for LDCs". *Economics & Politics*, 2(2), 193-221.
- Gallup, J. L. & Sachs, J. D. (2001). "The Economic Burden of Malaria". *American Journal of Tropical Medicine and Hygiene*, 64, 85-96.
- Gasiorowski, M. J. (1995). "Economic Crisis and Political Regime Change: An Event History Analysis". *The American Political Science Review*, 89(4), 882-897.
- Gerring, J., Thacker, S. C. & Alfaro, R. (2012). "Democracy and Human Development". *Journal of Politics*, 74(1), 1-17.
- Grochová, L. & Kouba, L. (2014). "Political Instability and Economic Growth: An Empirical Evidence from the Baltic States". *Acta Universitatis Agriculturae et Silviculturae Mendelianae Brunensis*, 59(2), 81-88.
- Gründler, K. & Krieger, T. (2016). "Democracy and Growth: Evidence from a Machine Learning Indicator". *European Journal of Political Economy*, 45, 85-107.
- Gupta, D. K., Madhavan, M. C. & Blee, A. (1998). "Democracy, Economic Growth and Political Instability: An Integrated Perspective". *Journal of Socio Economics*, 27(5), 561-587.
- Haggard, S. & Kaufman, R. R. (1997). "The Political Economy of Democratic Transitions". *Comparative Politics*, 29, 263-283.
- Heshmati, A. & Kim, N. S. (2017). "The Relationship between Economic Growth and Democracy: Alternative Representations of Technological Change". (No. 10880). *Institute of Labor Economics (IZA). Discussion Papers*.
- Holtz-Eakin, D. (1988). "Testing for Individual Effects in Autoregressive Models". *Journal of Econometrics*, 39, 297-307.
- Howell, L. (2009). "International Country Risk Guide". Syracuse, New York: The PRS Group
- Huntington, S. P. (1968). "Political Order in Changing Societies". *Yale University Press, Ltd., London*.
- Jensen, N. (2008). "Political Risk, Democratic Institutions, and Foreign Direct Investment". *The Journal of Politics*, 70(4), 1040-1052.
- Jong-A-Pin, R. (2009). "On the Measurement of Political Instability and its Impact on Economic Growth". *European Journal of Political Economy*, 25(1), 15-29.
- Kaufmann, D., Kraay, A. & Mastruzzi, M.

- (2011). "The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues". *Hague Journal on the Rule of Law*, 3(2), 220-246.
- Lajili, O. & Gilles, P. (2018). "Financial Liberalization, Political Openness and Growth in Developing Countries: Relationship and Transmission Channels". *Journal of Economic Development*, 43(1), 1-27.
- Lipset, Seymour, M. (1959). "Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy". *The American Political Science Review*, 53(1), 69-105.
- Matyas, L. & Sevestre, P. (1996). "The Econometrics of Panel Data". *A Handbook of the Theory with Applications*, (Kluwer Academic Publishers, Dordrecht)
- Miljkovic, D. & Rimal, A. (2008). "The Impact of Socio-Economic Factors on Political Instability: A Cross-Country Analysis". *The Journal of Socio-Economics*, 37, 2454-2463.
- Narayan, P., Narayan, S. & Smyth, R. (2010). "Does Democracy Facilitate Economic Growth or Does Economic Growth Facilitate Democracy? An Empirical Study of Sub-Saharan Africa". *Economic Modelling*, 28(3), 900-910.
- North, D. (1990). "Institutions, Institutional Change and Economic Performance". *New York: Cambridge University Press*.
- North, D. C. & Weingast, B. R. (1989). "Constitutions and Commitment: The Evolution of Institutions Governing Public Choice in Seventeenth-Century England". *The Journal of Economic History*, 49(4), 803-832.
- North, D. C., Wallis, J. J. & Weingast, B. R. (2006). "A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History". *NBER Working Paper*, No. 12795, PP. 1-80.
- Oh, C. H. & Reuveny, V. (2010). "Climatic Natural Disasters, Political Risk, and International Trade". *Global Environmental Change*, 20(2), 243-254.
- Olson, M. (1982). "The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation and Social Rigidities". *New Haven: Yale University Press*.
- Ozler, S. & Tabellini, G. (1991). "External Debt and Political Instability". *NBER Working Paper*, PP. 1-44.
- Przeworski, A. & Limongi, F. (1993). "Political Regimes and Economic Growth". *Journal of Economic Perspectives*, 7(3), 51-69.
- Qureshi, M. N., Ali, K. & Khan, I. R. (2010). "Political Instability and Economic Development: Pakistan Time-Series Analysis". *International Research Journal of Finance and Economics*, 56, 179-192.
- Rodric, D. (2000). "Institutions for High-Quality Growth: What They are and How to Acquire Them". *NBER Working Paper*, No. 7540, PP. 1-50.
- Rodric, D., Subramanian, A. & Trebbi, F. (2004). "Institutions Rule: the Primacy of Institutions over Geography and Integration in Economic Development". *Journal of Economic Growth*, 9, 131-165.
- Saint Paul, G. & Verdier, T. (1993). "Education, Democracy and Growth". *Journal of Development Economics*, 42, 399-407.
- Slesman, L., Baharumshah, A. Z. & Ra'ees, W. (2015). "Institutional Infrastructure and Economic Growth in Member Countries of the Organization of Islamic Cooperation (OIC)". *Economic Modelling*, 51, 214-226.
- Sachs, J. (2001). "Macroeconomics and Health: Investing in Health for Economic Development". *World Health Organization*.
- Stasavage, D. (2005). "Democracy and Education Spending in Africa". *American Journal of Political Science*, 49(2), 343-358.
- Sung, H. E. (2004). "Democracy and Political Corruption: A Cross-national Comparison". *Crime, Law and Social Change*, 41(2), 179-193.
- Tabellini, G. & Alesina, A. (1990). "Voting on the Budget Deficits". *American Economic Review*, 80(1), 37-49.
- Tavares, J. & Wacziarg, R. (2001). "How Democracy Affects Growth". *European Economic Review*, 45(8), 1341-1378.

- Uddin, M., Ali, M. H. & Masih, M. (2017). "Plitcal Stability and Growth: An Application of Dynamic GMM and Quantile Regression". *Economic Modelling*, 64, 610-625.
- Van de Walle, D. (1998). "Assessing the Welfare Impacts of Public Spending". *World Development*, 26(3), 365-379.
- WHO (World Health Organization). (2001). "Macroeconomics and Health: Investing in Health for Economic Development". <http://www3.who.int/whosis/cmh>
- Yilmaz, B. & Levent, A. (2015). "Impact of Economic Freedom, Political Stability and Economic Growth in the USA on Emerging Asian Economies". *Actual Problems of Economics*, 168(6), 61-73.
- Zablotsky, E. (1996). "Political Stability and Economic Growth. A Two Way Relation". *CEMA Working Papers: Serie Documentos de Trabajo*. 109, Universidad del CEMA.
- Zahonogo, P. (2016). "Trade and Economic Growth in Developing Countries: Evidence from Sub-Saharan Africa". *Journal of African Trade*, 3, 41-56.
- Zheng, S. (2012). "China's Political Stability: Global Comparisons". *Journal of Chinese Political Science*, 17(1), 1-13.

پیوست ۱.

جدول ۶. متوسط شاخص‌های حقوق سیاسی، آزادی مدنی و حق پاسخگویی دموکراتیک طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۶

نام کشور	حقوق سیاسی	آزادی مدنی	حق پاسخگویی دموکراتیک	نام کشور	حقوق سیاسی	آزادی مدنی	حق پاسخگویی دموکراتیک
آلبانی	۳/۸۶	۴/۰۷	۴/۲۵	مراکش	۴/۸۷	۴/۴۳	۳/۴۱
الجزایر	۵/۹۳	۵/۲۳	۳/۱۹	موزامبیک	۴/۰۳	۴/۲۳	۳/۲۶
بحرین	۵/۸۷	۵/۴۳	۲/۶۶	نیجر	۴/۵	۴/۴۳	۳/۵۲
بنگلادش	۳/۲۸	۴/۰۶	۳/۳۵	نیجریه	۵	۴/۵۸	۲/۸
کامرون	۶/۲	۵/۷۶	۲/۶	عمان	۶	۵/۴۳	۱/۷۲
مصر	۵/۷۳	۵/۱۷	۲/۷۲	پاکستان	۴/۴۶	۴/۴۸	۲/۲۸
گامبیا	۴/۸	۴/۳۶	۳/۱۶	قطر	۶/۲۳	۵/۴	۱/۹
گینه	۶	۵/۱۳	۱/۹۵	عربستان	۶/۹	۶/۷	-/۹۶
گایانا	۲/۶۷	۲/۹	۳/۸۹	سنگال	۳/۰۴	۳/۴۱	۳/۷۱
ایران	۵/۹	۶/۰۶	۳/۳	سیرالئون	۴/۳۹	۴/۲۷	۲/۸
اندونزی	۴	۴/۲۸	۳/۸۳	سومالی	۶/۸	۷	-/۹۶
عراق	۶/۴۸	۶/۴۳	۲/۲۵	سودان	۶/۷	۶/۸	۱/۷۴
اردن	۴/۹۳	۴/۵۳	۳/۵۲	سوریه	۶/۹	۶/۸۳	۱/۳۹
کویت	۴/۷۹	۴/۹	۲/۷۴	تونس	۵/۴۵	۴/۶۲	۲/۴
لبنان	۵/۵۷	۴/۴۷	۳/۹۸	ترکیه	۳/۲	۳/۹۶	۴/۴
لیبی	۶/۶	۶/۶۵	۱/۵۱	اوگاندا	۵/۲۵	۴/۳۸	۲/۱۲
مالزی	۴/۲۶	۴/۴۳	۳/۹۹	امارات	۵/۹۳	۵/۲۷	۲/۱۵